

نام درس: مطالعه آثار ۶

کد: ۶۴

تعداد واحد: ۲

۱۵۳۷۵

پیش نیاز: ————— گزار

هم نیاز: ندارد

الف- منابع مطالعه

- ۱- کتاب مستطاب ایقان / (تهیه شود)
- ۲- مقاله کتاب ایقان - جناب طاهرزاده / (در جزوه)

ب- ضامم

ضمیمه همان مقاله کتاب مستطاب ایقان نوشته جناب طاهرزاده است که ضمیمه راهنمای درس است و برنامه زمانبندی بر اساس این ضمیمه تنظیم گردیده است.

ج- ارزشیابی

۱- امتحانات

- ماهانه اول (۱۰ نمره / هفته چهارم)
- میان ترم (۳۰ نمره / هفته نهم)
- ماهانه دوم (۱۰ نمره / هفته سیزدهم)
- پایان ترم (۵۰ نمره / هفته هجدهم)

۲- تکلیف

از حفظ کردن ۶ آیه قرآن مجید و ۳ بیان از کتاب مستطاب ایقان و توضیح و تشریح آنها.

۳- گزارش تکلیف

ندارد

مخصوص جامعه بهائی است.

دوستان عزیز

تکلیف درس مطالعه آثار ۶ به شرح ذیل تغییر یافته است :

بلحاظ اهمیت خاصش آیه قرآن و سه بیان عربی جمال مبارک در کتاب ایقان انتخاب گردید که باید از هر شود (حفظ گردد) و ترجمه و توضیح کامل داده شود .
بعلاوه تفسیر و تعبیری که جمال مبارک از آیات قرآن مجید فرموده اند بخاطر بسیارند از این آیات پنج آیه به ترتیب ذکر شده ذیل برای میان ترم و همان آیات بعلاوه ۴ آیه بعدی یعنی کلاً نه (۹) آیه برای پایان ترم به ضمیمه سوره الاتارزشیابی بعمل خواهد آمد .

۱ - الباب المذكور اول کتاب ... تا مرفوعاً .

۲ - آیه مربوط به مؤمن آل فرعون (و قال رجل مؤمن من آل فرعون یکتُم ایمانہ ... ان الله لایهدی من هو مسرف کذاب) ذیل داستان حضرت موسی

۳ - و علی الله اتکل و به استعین لعل یجری من هذا القلم ما یحیی به افئدة الناس لیقومن الكل علی مراقد غفلتهم و یسمعن اطوار و رقات الفردوس من شجر کان فی الروضه الاحدیة من ایدی القدره باذن الله مغروساً .

۴ - او لم یكفهم انا انزلنا علیك الكتاب که اعظم دلیل انبیاء بوده و هست .

۵ - الباب المذكور عربی دوم کتاب ... تا عن الابصار مستوراً .

۶ - (اقمن کان میتا فاحینناه ... بخارج منها) ذیل مقصود از موت و حیات

۷ - آیه مربوط به اسرار رجعت و بعثت (و کانوا من قبل یستفتحون ... علی الکافرین)

۸ - تلك آیات الله نتلوا علیک بالحق فبای حدیث بعد الله و آیاته یوم مننون و

ارتباط آن با شماره ۴

۹ - آیه مربوط به عدم انقطاع فیوضات رحمانیه (لقد جاکم یوسف من قبل ... مسرف

مرتساب)

معرفی درس

- الف - نام درس : مطالعه آثار (۶)
- ب - نام کتاب مورد مطالعه : کتاب مستطاب ایقان
- ج - درس پیش نیاز : عربی (۴)
- د - فهرست برنامه درس :
- ۱- معرفی درس و منابع کمکی
 - ۲- معرفی منبع مطالعه (استخراج از قرن بدیع - مقاله کتاب مستطاب ایقان)
 - ۳- هدف مطالعه
 - ۴- راهنمای مطالعه
 - ۵- سخنی چند پیرامون استفاده از منابع کمکی مطالعه
 - ۶- زمینه تحقیق
 - ۷- تکلیف
 - ۸- جدول زمان بندی
 - ۹- فهرست مباحث مندرجه کتاب مستطاب ایقان
 - ۱۰- چند تذکر مهم در مورد چاپهای مختلف کتاب مستطاب ایقان
- هـ - کتاب ایقان مورد مطالعه باید طبع مصر باشد ، به ویژه چاپ سالهای اخیر
- ز - تکلیف جزئی از سئوالات امتحانی است

- ۱- نام درس : مطالعه آثار (۵)
- منبع مطالعه : کتاب مستطاب ایقان
- منابع کمکی : قاموس ایقان - اسرارالآثار - فرائد - امر و خلق - جواهرالاسرار - هفت وادی و چهار وادی - خطبه عربی اشراقات
- مقاله چهارم در مورد متمات ام الکتاب نوشته وحید رأفتی آهنگ بدیع سال ۳۲ - شماره ۳۴۴

- ۲- معرفی منبع مطالعه :
- حضرت ولیّ عزیز امرالله در کتاب قرن بدیع در خصوص کتاب مستطاب ایقان چنین میفرماید ،
قیله الاحلی : " . . . این منشور جلیل نمونه کامل از منشآت نشرپارسی است دارای سبکی بدیع و لحنی مهیمن و منبع و از لحاظ استحکام بیان و قوت برهان بی نظیر و در فصاحت و بلاغت

بی عدیل و مثیل و کاشف نقشه عظیمه الهیه جهت نجات عالم بشریه است و در بین آثار و صحف بهائی پس از کتاب مقدس اقدس اعظم و اشرف از کل محسوب است ، با ظهور این کتاب مستطاب و فصل الخطاب که مفتاح معضلات کتب سماویّه است و بفاصله قلیل قبل از اعلام امر حضرت ربّ الارباب از سماء اراده الهی نازل گردیده بپان دانیال نبی که میفرماید " لانّ الکلمات مخفیة و مختومه الی وقت النهایه " اکمال پذیرفت و ستر از کلمات کتاب برداشته شد و ختم (رحیق مختوم) باصابع حیّ قیوم گشوده گردید و راعنه مشک فام (ختامه مسک) مشام مشتاقان و طالبان کوه سرایمان و ایقان را معنبر و معطر فرمود - این سفر قیوم حقیقت و وحدانیت الهیه را که ماوراء ادراک عقول و مافوق عرفان نفوس و مبدا ظهورات ربّانیّه و منشاء حقایق روحانیّه و ذات حیّ و قدیم و علیم و حکیم و قادر علی الاطلاق است اعلام و وحدت شرایع رحمانیه و عدم انقطاع فیض صمدانیه و تکمیل هر شریعت سابقه از طرف شریعت لاحق و توحید تعالیم اساسیه مظاهر مقدسه و حقانیت کتب و صحف سماویّه و واجد بودن مطالع سبحانیه و مقام توحید و تحدید یعنی اشراقات الهیه و حدودات بشریه را تبیین و تشریح مینماید . . . در این کتاب مقدس شرایط سالکین سبیل معرفت و طالبین حقیقت تشریح و حقانیت امر حضرت باب و عظمت ظهور مبارکش اثبات و مراتب انقطاع و فداکاری و جاننازی تابعانش تقدیر . . . و معانی کلمات رجعت و قیامت و خاتمیت و یوم الجزاء و غیره تبیین گردیده و مراحل ثلاثه ظهورات ربّانیّه تعلیم و توضیح و معانی دقیقّه " مدینه الهی " و تجدید این مدینه مقدسه یعنی شریعت الهیه در میعاد مقرر برای هدایت نفوس و تربیت اهل عالم تقریر و تفصیل شده و بطور کلی میتوان گفت که در بین کتب و آثار که از قلم ملهم شارع امر بهائی نازل گردیده کتاب مستطاب ایقان بنفذه نظر بحال مشکلات و غوامض آیات الهیه که لا زال عدم فهم آن سبب تخالف و تنافر احزاب و امم عظیمه بوده اساس متین و استواری جهت وحدت ملل و نجل و ائتلاف اقوام و مذاهب متنوعه برقرار نموده است . . .

توجه : بعضی از موارد مطروحه در معرفی کتاب مستطاب ایقان در قرن بدیع در برنامه کنجاند نه شده است . برای مطالعه کامل به کتاب قرن بدیع و یا کلمات معرفی آثار مبارکه (جزوه) مراجعه فرمائید .

قبل از شروع مطالعه برنامه درس توجه دوستان عزیز را به موارد ذیل جلب می‌نمائیم :

درجهت تکمیل فعالیت‌های آموزشی به منظور درک بهتر مضامین مندرجات کتاب مستطاب ایقان مجموعه ای با عنوان " کتاب مستطاب ایقان " که از یکی از تألیفات جناب ادیب طاهرزاده ترجمه گردیده است ضمیمه برنامه درس می‌شود . این مجموعه به چند مطلب اساسیه پرداخته است که از جمله می‌توان به دو موضوع معرفتی کتاب مستطاب ایقان و بررسی برخی از مواضع اساسیه اشاره نمود . لذا لازم است این نکات مورد توجه قرار گیرد :

الف - مطالعه دقیق در مدت زمان تعیین شده جهت برنامه درس

ب - مرور مجدد مجموعه مذکور در حین مطالعه کتاب مستطاب ایقان علی‌الخصوص مواقعی که مواضع مطروحه در آن ، از کتاب مستطاب ایقان مطالعه می‌شود .

ج - برخی سؤالات امتحان با توجه به مندرجات این مجموعه طرح خواهد گردید .

د - در جدول زمان بندی مطالعه تغییراتی اعمال گردیده است که ضمیمه خواهد شد .

امید است که مطالعه این مجموعه کمک موثری درجهت افزایش میزان درک و شناخت ما از کتاب مستطاب ایقان بنماید .

محمود مجذوب

خوانندگان عزیز، در این مقال میخواهیم یکی از مهمترین و عالیترین آثار استدلالی ایمن ظهیر مبارک را که از قلم اعلیٰ عزّ نزول یافته و بطرزی بدیع و بیسابقه پرده از روی حقایق و قایق روحانیه کتب مقدّسه قلبیه و متشابهاً آیات مبارکه برداشته و از حیث عبارت نیز در رغابت سلاست و بلاغت انشاء گشته و به کتاب مستطاب ”ایقان“ موسوم است بشما معرفی کنیم و تلاوت و در قست در مطالب عالیّه این کتاب مجید و نفیس را بار در کر بشما عزیزان روحانی که یقیناً شوق و ذوق جولان در میدان تبلیغ و تبشیر امرالله را در سر دارید توصیه نمائیم :

۱- تاریخ و محلّ نزول

کتاب مستطاب ایقان در ایام اقامت جمالقدم جلّ اسمه الاعظم در مدینه الله بغداد و قبل از اظهار امرعلنی آن حضرت از قلم مبارکشان عزّ نزول یافته است. تاریخ نزول آن سال ۱۲۷۸ هجری قمری بوده است. حضرت ولیّ مقدّس امرالله جلّت قدرته نیز در لوح قرن احبای امریک به نزول این کتاب مستطاب در همین سال تصریح فرموده اند. در خود کتاب مبارک ایقان نیز به نزول آن در سال مذکور اشاره رفته است. قوله تعالی: ”... این انوار مقدّسه هیچده سنه میگذرد که بلایا از جمیع جهات مثل باران بر آنها بارید و به چه عشق و حب و محبت و ذوق که جان رایگان در سبیل سبحان انفاق نمودند ...“

۲- شأن نزول این کتاب مستطاب

مقدّماتاً باید دانست که حضرت ربّ اعلیٰ ارواحنا لمطلوبه الفدا سه دانی داشتند : یکی جناب حاج سید علی خال اعظم. دیگر جناب حاج سید محمد خال اکبر. سوم جناب میسرزا حسنعلی خال اصغر.

جناب حاج سیدعلی خال اعظم از تجّار معروف و سادات محترم شیراز بودند. مشارالیه همان نفس مبارکی هستند که پس از صعود پدر بزرگوار حضرت اعلیٰ بخدمت و مواظبت و تربیت حضرتشان قیام نموده کمال احترام و مراقبت و محبت را نسبت به آن بزرگوار مجری میداشتند و پس از اظهار امر نیز بعد از حروف حی بشرف ایمان و اطمینان مفتخر و متباهی گشتند و سپس آنچه لازمه عبودیت و اطاعت بود بجای آوردند. حضرت ایشان در سال ۱۲۶۵ هجری از شیراز برای زیارت حضرت ربّ اعلیٰ به قلعه چهریق عزیمت نموده و پس از درك لقای مولای محبوب خویش از چهریق به طهران بازگشتند و در آنجا توقف داشتند تا اینکه در راه محبت دوست یکتا و محبوب بیهمتای خود بکمال شهادت و استقامت و میل و رضا شربت شهادت نوشیدند و جزو شهدای سبعة طهران معدود گشتند.

اما جناب حاج سید محمد خال اکبر هر چند نسبت بخواهرزاده خود نهایت ارادت و علاقه را داشتند و بکمال احترام رفتار مینمودند ولی نمیتوانستند ظهور ایشان را با معتقدات قلبی خود و با مطالبی که راجع بظهور قائم موعود و علائم آن شنیده و خوانده بودند تطبیق دهند و اطمینان قلب حاصل کنند. تا اینکه در سال ۱۲۷۸ با اتفاق برادر کهنتر خود جناب حاج میرزا حسنعلی عازم زیارت نجف و کربلا شده و در مراجعت چندی در بغداد توقف مینمایند و بنا به اراده و اشاره جمالقدم بواسطه جناب حاجی سید جواد کربلائی بحضور مبارک مشرف میشوند و پس از استماع بیانات و نصائح جمال مبارک مبنی بر لزوم تحقیق و تحرّی و درک عظمت ظهور طلعت اعلی اشکالات و ایرادات خود را معروض میدارند. حضرت بهاء الله با ایشان میفرمایند شما بمحل خود مراجعه نمائید و آنچه علت توقف و عدم اطمینان قلوب و سبب ایراد و اشکال است مرقوم و معین دارید شاید به عنایت الهی و تأئید آسمانی غنّ شما به یقین واضطراب شما به اطمینان مبدل شود. روز دیگر جناب خال بمحضر انور تشرف حاصل نمود و یک اشکالات و شبهات خود را معروض میدارد و در جواب سؤالات و اشکالات ایشان کتاب مستطاب ایقان که در ابتدا برساله خالویه معروف بود از قلم اعلی بافتخار مشارالیه عزّ نزول می باید و علّت ایمان و اطمینان قلب حضرت خال میشود.

اما جناب میرزا حسنعلی خال اصغر در بغداد بمحضر انور مشرف نشدند و تا آخر ایّام حیات هم به حکمت و تقیه رفتار مینمودند (جمالقدم در یکی از الواح کیفیت تشرف خال و نزول کتاب ایقان را بیان فرموده اند که برای زیارت آن میتوان به "رحین مختوم" جلد اول مراجعه کرد (۳۱۴ مراجعه نمود.)

۳- مطالب و مندرجات این کتاب مستطاب

میتوان ادعا نمود که قبل از نزول کتاب مبارک ایقان بسیاری از حقایق روحانیه و رموز کتب مقدّسه قبلیه و معانی واقعی متشابهات آیات مبارکه از انظار پیران ادیان مختلفه مخفی و مستور بود و جمالقدم با نزول این کتاب نفیس و بینظیر و باصبع قدرت و اقتدار خویش فک رحیق مختوم نموده و حقایق و حقایق و رموز کتب مقدّسه و معانی آیات متشابهه را بطرزی بدیع و شیوه ای جدید و بیانی بلیغ توجیه و تشریح فرمودند و بنا بر آیات مبارکه قرآنی که بیان مسائل روحانیه و تأویل آیات متشابهه را جز خداوند و مطالع امر و مهابط وحی او کسی دیگر نمیداند جمالقدم بوحی الهی به بیان حقایق روحانیه و تأویل رموز و دقائق آثار مظاهر قبلیه در ایسن کتاب مبارک مبادرت فرموده اند، چنانچه در قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۷ میفرماید: "هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هنّ ام الکتاب و اخر متشابهات فاما الذین فی

قلوبهم زيغ فيتمعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تأويله وما يعلم تأويله الا اللّٰه
 و الراسخون في العلم. . . " (يعني اوست آن خدائي كه فرد فرستاد بر تو اي محمد كتاب
 را . قسمتي از اين كتاب آياتي است روشن و محكم و آن اصل كتاب است و قسمت ديگر مشابه
 و غير روشن است اما كسانيكه در قلبهايشان مرض و تنگي است بيروي ميكنند آنچه را كه مشابه
 است و باينوسيله طالب فتنه و خواستار تأويل آيات مشابه ميشوند در حاليكه تأويل و معنسي
 واقعي آيات مشابه را كسي جز خداوند و آنانكه در علم الهي راسخند نميدانند . . . " و نيز
 در سوره القيامه آيه ٦ (١٨) چنين نازل شده " . . . ان علينا جمعه و قرائه . . . ثم ان علينا
 بيانه " (يعني خداوند ميفرمايد اي محمد بدان كه برماست جمع كردن و قرائت نمودن قرآن و
 سپس برماست بيان حقايق و دقايق آن .)

خلاصه قبل از نزول كتاب مستطاب ايقان بسياري از مطالب و مسائل مندرجه در كتب مقدسه
 قبله مبهم و نامعلوم و ظاهر آن مورد ايراد و اعتراض ارباب علم و دانش بود وليكن تبينيات
 و تأويلات قلم اعلي پرده از روي حقايق روحانيه آنها برگرفت و رفع شبهات و دفع اعتراضات و
 ايرادات نمود . بقول شاعر شهير بهائي جناب نعيم :

فيلسوفان به طنز ميگفتند	كه صحف جملته غير مفهومست
دست حق پرده از همه برداشت	تا بدانند سر مكنونست

دانشمندان و نويسندگان بهائي نيز كه قلم بدست گرفته و كتب استدلالی تأليف نموده اند
 جملگي در اقيانوس بيكران مطالب و مسائل عاليه اين كتاب مستطاب تعمق و خوض و غور نموده
 و لثالي حقايق و معاني رويده اند و همگي از تبينيات و تأويلات قلم اعلي كه در اين كتاب
 موجود است الهام گرفته اند .

در اينجا بايد متذكر شد كه علاوه بر جناب خال اكبر طلعت اعلي در طول تاريخ امراللّٰه
 بسيار بوده اند نفوس مباركه اي كه پس از مدتها مذاكره و مباحثه بالاخره با تلاوت و دقت در
 مطالعه كتاب مبارك ايقان اطمينان قلب حاصل نموده و بشرف ايقان فائز شده اند .

اينك براي درك اهميت و عظمت اين كتاب مبارك رؤوس مسائل و مطالب مهمه را كه در آن مورد
 بحث و توجه قرار گرفته مذكور ميداريم و شما خوانندگان بسيار عزيز را كه يقيناً شوق و ذوق تبليغ
 و تبشير حقائق اين آئين نازنين را به نفوس مستعده در سر داريد بمطالعه دقيق و عميق اين
 كتاب نفيس دعوت مينمائيم .

كتاب مستطاب ايقان شامل دو باب يا دو قسمت ميباشد و ما رؤوس مطالب و اهم مسائل هر
 باب را جداگانه مذكور ميداريم .

باب اول

١- تشریح و بیان شرائط تحریر حقیقت برای سالکین سبیل حق و حقیقت .

۲- بیان علل و عوامل اعتراضی و احتجاج مردم از مظاهر مقدسه در موقع ظهور هر يك از انبياء الهی و ذکر برخی از آیات قرآنی در این باره.

۳- بیان و شرح اعتراضات و اندیشه‌های وارده بر انبیا در ادوار گذشته با استناد به آیات قرآنی و وقایع تاریخی.

۴- تشریح و توجیه این مسئله که انبیاء الهی و مظاهر مقدسه آسمانی حقیقت واحد هستند و اثبات وحدت مظاهر مقدسه بدلائل عقلی و نقلی.

۵- بیان کیفیت رجعت مسیح از آسمان طبق آیات انجیل متی و توجیه و تأویل علائم مندرجه در انجیل مقدس با استفاده و استناد بآیات مبارکه قرآنی.

۶- توجیه و تأویل معانی مختلفه آسمان و زمین و شمس و قمر و نجوم که در کتب مقدسه قبله ذکر شده بطریق عقل و نقل و بیان منظور از شکافته شدن آسمان و تبدیل ارض و ظلمت شمس و قمر و فروریختن ستارگان.

۷- بیان این مطلب که امتحانات الهیه همواره در بین عباد بوده و خواهد بود و توجیه علت و حکمت آن و سپس ذکر برخی از امتحانات الهیه که در ادوار سالانه واقع شده و سبب اضطراب و عدم اقبال نفوس ضعیفه گردیده است.

۸- بیان معنی و مقصود از ملائکه که در کتب مقدسه انبیاء قبل ذکر شده است.

بَاب دوم

۱- توجیه این مطلب که عرفان و شناسائی ذات احدیه و غیب هویه برای افراد بشر محال و ممتنع است.

۲- بیان اینکه مظاهر مقدسه الهیه جلوه گاه صفات و کمالات حق هستند و عرفان الهی منوط به شناسائی آنان در هر عصر و زمان میباشد.

۳- تشریح مقصود از سلطنت و قدرت که راجع بقائم موعود مذکور گشته و اثبات اینکه مقصود از این سلطنت و غلبه سلطنت، غلبه روحانی و باطنی و احاطه و تسلط بر همه ممکنات است که فقط اختصاص به مظاهر مقدسه داشته و پس از صعود آنان نیز با شدت بیشتری ادامه می‌یابد و بطهور می‌آید.

۴- توضیح و تشریح معانی موت و حیات که در کتب الهیه مذکور گشته و تأویل آنها بموت و حیات روحانی و ایمانی بدلائل عقلی و نقلی.

۵- بیان مقصود از مشاهده لقاء الله در روز قیامت و روز آخر که در کتب مقدسه قبله بوده داده شده و اینکه مقصود از لقاء مظهر کلی الهی و موعود آسمانی میباشد.

۶- تشریح معنی قیامت و اثبات اینکه منظور از قیامت قیام مظهر امر الهی بر امرالله میباشد.

۷- توجیه و بیان مسئله غیبت و رجعت و بعث و حشر که یکی از مشکلات پیروان همه ادیان و از جمله سبحات جلال میباشد.

۸- حل مسئله خاتمیت که بزرگترین حجاب و مانع اقبال نفوس بمظهر امرالله در هر ظهوری بوده است بدلائل عقلی و نقلی.

۹- بیان اینکه یکی دیگر از سبحات جلال و موانع اقبال نفوس بمظاهر الهیه در هر عصری علماء و فقهای زمان بوده اند و توضیح علت مخالفت آنان.

۱۰- توجیه و تشریح مراتب و مقامات مختلفه مظاهر مقدسه الهیه.

۱۱- بیان اینکه مشکلات روحانیه و معضلات کتب مقدسه را باید فقط بر مخازن اسرار احدیته و حاملان علوم الهیه عرضه داشت تا کشف رموز و اسرار شود.

۱۲- توجیه این مسئله که مدینه الهیه که همان شریعت مقدسه ربانیه باشد در رأس هر هزار سنه او ازید او اقل تجدید میشود و تزیین می یابد و بیان اینکه شریعت حضرت رب اعلی مدینه جدیده الهیه است و سعادت افراد بشر بدخول در آن مدینه مقدسه حصول می یابد.

۱۳- اثبات این موضوع که کتاب الله و آیات آن همواره اعظم و اکبر حجّت و برهان مظاهر الهیه بوده با استناد به آیات مبارکه قرآنی و ذکر این مسئله که بزرگترین حجّت حضرت رب اعلی هم آیات و آثار مبارکشان میباشد که از لحاظ کمیت و کیفیت قابل مقایسه با ادیان سالفیه نیست.

۱۴- اثبات عدم اعتبار و حجّیت معجزه و بیان اینکه مظاهر مقدسه هیچگاه بمعجزات اقتراحیه اعتناء و توجه فرموده و همواره بخواستاران معجزه جواب نفی داده اند و آیات و کلمات و احکام

و تعالیم خود را بزرگترین و قاطع ترین حجّت مقرر فرموده اند با استناد به آیات مبارکه قرآنی.

۱۵- بیان این حقیقت که در ادیان سالفیه پیروان اولیه مظاهر مقدسه اغلب از نفوس غیرمعروف

و حقیر و بیسواد و کم شخصیت بوده اند و لکن در ظهور حضرت نقطه اولی علاوه بر هزاران نفر مردم عادی و عامی جم غفیری از علماء و دانشمندان راشدین و فضلاء و فقهای بالغین نیز بشرف

ایمان فائز و به نثار جان در ره محبوب امکان متخیر و نائل گشتند و این خود دلیل بر عظمت و اینتظ ظهور حضرتشان میباشد و سپس جمالقدم اسامی برخی از آنان را ذکر میفرمایند و نتیجه

میکیرند که گذشتن این نفوس از مال و جان و آسایش تن و روان بکمال روح و ریحان در سبیل امر حضرت یزدان بزرگترین دلیل و برهان بر عظمت مقام و حقانیت طلعت اعلی میباشد.

۱۶- تشریح و بیان این مسئله که استقامت مظاهر مقدسه الهیه بنا بر آیات کتب مقدسه بخصوص قرآن کریم یکی از بزرگترین دلائل صدق مدّعی آنان بوده است و ذکر این مطلب که حضرت اعلی

عالمترین و کاملترین مظهر استقامت و فداکاری و جاننازی تا آخرین دقایق حیات مبارکشان بوده اند.

۱۷- توجیه و تشریح این مسئله که غلبه و تأثیر و احاطه و نفوذ عجیب کلام حضرت اعلیٰ

در زمانی اندک یکی از بزرگترین علائم و دلائل صدق مدّعی حضرتشان میباشد .

۱۸- در خاتمه این کتاب مستطاب قلم اعلیٰ احادیث معتبره ای را که از پیغمبر اکرم اسلام

واقعه اطهار راجع بظهور معبود اسلام و علائم او و عظمت قائم و روش او و صفات و کمالات اصحاب

قائم و دشمنان حضرتش روایت شده ذکر میفرمایند و با ظهور حضرت اعلیٰ منطبق مینمایند تا سبب

و علت انتباه و اطمینان قلوب مضطربه گردد .

اینک که رؤس مهمترین مطالب و مسائل عالیّه کتاب مستطاب ایقان بنحو اختصار معروض

گردید در خاتمه بد نیست دانسته شود که در طول زمان قریب بیک قرن که از نزول این کتاب

مبارک میگذرد دشمنان و معاندین امرالله بر مطالب جامعه آن ایرادات بارده و اعتراضات

غیر وارده نموده و کتب ردّیه تألیف کرده اند . بلی همواره طبق معمول نتیجه معکوس اخذ

نموده و باعث هدایت و دلالت جمعی از کمگشتگان وادی طلب و تحقیق گشته اند . مهمترین

این ردّیه ها در رساله است که شیخ عبدالسلام شیخ الاسلام تنظیم نگاهشته و دانشمند شهیر

و فاضل محقق بینظیر بهائی حضرت ابوالفضل کلپایگانی اعلیٰ الله مقامه را بر آن داشته است

که با اشاره حضرت مولی الوری با قلم توانا و سخار و سعه معلومات و اطلاعات خود به کلیّه

شبهات و ایرادات شیخ مذکور بنحوی فاضلانه و الزام آور و در نهایت فصاحت جواب گویند و

در نتیجه يك اثر استدلالی بسیار نفیس و گرانبها بنام کتاب فرائد را تألیف نماید .

۳- هدف مطالعه :

همانطور که قبلاً متذکر شده ایم آثار مبارکه ای که با عنوان "مطالعه آثار مبارکه" در هر ترم مورد بررسی قرار خواهند گرفت با هدف توجه به جامعیت و عمومیت آنها خواهد بود و موضوع خاصی را دنبال نخواهیم نمود بلکه تلاش ما مطالعه و بررسی با حفظ همان عمومیت و جامعیت میباشد. در اینجا نیز مطالبی پیرامون دروس فوق ذکر مینمائیم :

۱- آثار مبارکه ای که مطالعه خواهد شد :

الف- از امهات آثار امریه میباشند مثل کتاب مستطاب اقدس و کتاب مستطاب ایقان ، کتاب رساله مدنیه و توقیع (۱۰۱) و منتخبات آثار حضرت نقطه اولی

ب- از جمله آثار مبارکه ای هستند که نمیتوان آنها را تحت عنوان موضوع مشخصی چون

نظم اداری ، اصول اعتقادی و غیره مورد مطالعه و بررسی قرار داد . بسیاری از

مکاتیب حضرت عبدالبهاء و توقیع همیکل اطهر حضرت ولی امرالله از این زمره اند .

آثار نازله از کک جمالقدم بهنسبت بیشتری در این درس مورد مطالعه و بررسی قرار

خواهند گرفت. در عین حال آثار نازله از کک اطهر میثاق و حضرت ولی امرالله

در سایر دروس و یا عناوین مشخصی چون تاریخ ، نظم بدیع و نظم اداری ، صلح

و وحدت عالم انسانی ، اصول اعتقادی و غیره مطالعه خواهد شد .

هرچند بطور کلی راجع به هدف از مطالعه آثار مبارکه در دروس مربوط به مطالعه آثار

سخن بمیان آمد ولی تعیین هدف مطالعه در مورد کتاب مستطاب ایقان بطور خاص کاری آسان

نیست ، زیرا عظمت مقام و اهمیت این اثر در بین آثار نازله از کک هیاکل مقدسه بهائی و سایر

کتب مقدسه آنچنان است که از بیان آن عاجز و قاصریم . لهذا مقصد و منظور خود را در خصوص

هدف از مطالعه و بررسی و تحقیق در این اثر عظیم الشأن براساس مطالبی که جناب ابوالفضائل

پیرامون حکمت نزول کتاب مستطاب ایقان بیان فرموده اند مطرح مینمائیم .

جناب ابوالفضائل در کتاب فرائد ذیل رفع شبهات شیخ مطالب مهمه ای را مطرح فرموده و

ضمن آن حکمت نزول کتاب مستطاب ایقان را بیان مینمایند . بعضی از رؤوس مطالب مطرحه

ایشان بشرح ذیل است :

(۱- اینکه در جمیع کتب مقدسه تورات و انجیل و قرآن تصریحاتی هست و نصیحتی موجود است که

دالّ است بر اینکه هر نفسی بر فهم کلمات الهیه قادر نتواند شد و هر قلبی به ادراک معانی

مودعه در آیات کتاب فائز نخواهد گشت و بعبار قاصح معانی مقصوده اصلیه کتاب الهی

چندان سهل المآخذ نیست که هر کس بفهمد و بسادراک آن فائز آید . . .

۲- اینکه تاویل راجع بجزء مخصوصی از کتب مقدسه است . . . قسم ثالث در ذکر حوادث آتیه

از قبیل بشارات ظهور بعد و ورود قیامت و حشر و نشر و موت و حیوة و ظلمت شمس و قمر و سقوط کواکب و انفطار سما و تبدیل ارض و امثالها و بسالاتفاق آیات مأثله که محتاج بنزول تأویل است این قسم از آیات کتاب است

۳- اینکه آیات عظیمه که مکرراً ذکر شد از قبیل ظلمت شمس و . . . در کتب مقدسه تورات و انجیل و قرآن بیک نهج و یک عبارت و یکوضع نازل شده است

۴- آنکه در جمیع کتب سماویه تورات و انجیل و قرآن بل احادیث اهل بیت طهارت صریحاً وارد شده است که معانی اصلیه این آیات در یوم الله و یوم الرب ظاهر میشود

۵- معذک بر جای آن سید جلیل (جناب خال) کتاب مستطاب ایقان نازل شد و بلسان فارسی فصیح غوامض این مسائل که التهام و اتفاق ملل بحسل آن منوط و مربوط است واضح و مکشوف گشت . ختم رحیق مختوم بید قدرت حق قیوم گشوده شد . و وجوه حوریات مستوره فی قصور الآیات بکشف حجابات اشارات و استعارات باسب و مشهل گشت ، اقوی مانع ارتباط و اتحاد ملل و قبائل زوال یافت و اهمّ وسائط ائتلاف و اتفاقان امکان پذیرفت

توجه: " سئوالات خال از محضر مبارک عبارت بود از فلائم ظهور و خاتمیت حضرت رسول و قیامت و مسئله سلطنت موعوده در باره حضرت موعود و بعث و حشر در قیامت و رجعت ائمه اطهار در یوم ظهور قائم و ابدیت شریعت اسلام و اعرای علماء و پیشوایان دین و بالاخره دلائل و براهینی که مثبت حقیقت ظهور جدید است"

نقل از کنج شایگان ذیل ایقان

۴- راهنمای مطالعه :

چنانچه در بیانات هیکل اطهر حضرت ولی امرالله توجه و لذت لازم را بعمل آوریم به اهمیت کتاب مستطاب ایقان بیشتر پی برده و متوجه خواهیم شد که حی قدر چه موهبتی به ما ارزان فرموده و چگونه ما را به اسرار کتب مقدسه آگاه فرموده و همچنین بیانات جناب ابوالفضائل ما را در جهت جستجوی هدف و نیز درک و فهم این بحر ذخار راهنمایی خواهد نمود . دیگر تساند همت ما چه کند و تا چه حد خود را از این موهبت عظمی که خداوند منان ارزان فرموده بهره سازیم . نزول کتاب مستطاب ایقان یعنی فك ختم رحیق مختوم ولیکن این مسلم است که جز در سایه توجه و تبذیل و انقطاع و سعی و تلاش و مجاهدت لازم نخواهیم توانست به لذت کشف حقائق و رموز و اسرار کتب مقدسه الهیه ناثل آئیم و از آنچه که در دست داریم استفاده نمائیم . بنابراین با استفاده از تجارب عزیزانی که از مطالعه کتاب مستطاب ایقان کسب فیض نموده اند مواردی را متذکر میشویم که میتواند در رسیدن به هدف ما را یاری نماید .

(۱) توجّه تام و طلب تائید از ساحت جمالقدم

حضرت عبدالبهاء در مقام مناجات چنین میفرمایند ، قوله الاحلی :

... خداوند ما را از خواب بیدار نما و عاقل و هوشیار کن تا با سرار کتاب مقدّست واقف گردیم و بر موز کلماتت پی بریم ...

مجموعه مناجات ج ۲ ص ۱۰۸

(۲) از آنجا که مطالعه کتاب مستطاب ایقان صرفاً بمنظور کسب اطلاع و دانش نیست بلکه تلاشی است در جهت حصول عرفان و عمل توأمّاً لذا به نغمه ای از نغمات الهیه در کتاب مستطاب ایقان گوش فرا میدهیم ، قوله الاعلی :

... ای برادر من شخص مجاهد که اراده نمود قدم طلب و سلوک در سبیل معرفت سلطان قدم گذارد باید در بدایت امر قلب را که محل ظهور و بروز تجلّی اسرار غیبی الهی است از جمیع غیارات تیره علوم اکتسابی و اشارات مظاهر شیطانی پاک و منزّه فرماید و صدر را که سریر ورود و جلوس محبت محبوب ازلی است لطیف و نظیف نماید و همچنین دل را از علاقه آب و گل یعنی از جمیع نقوش شبحیه و صور ظلّیه مقدّس گرداند . بقسمی که آثار حبّ و بغض در قلب نماند که مبادا آن حبّ او را بجهتی بیدلیل میل دهد و یا بغض او را از جهتی منع نماید ... و باید در کلّ حین توکل بحق نماید و از خلق بگسلد و برتّ الارباب درینند و نفس خود را بر احدی ترجیح ندهد و افتخار و استکبار را از لوح قلب بشوید ... و غیبت را ضلالت شمرد و بان عرصه قدم نگذارد زیرا غیبت سراج منیر قلب را خاموش نماید و حیسات دل را بمیراند ... و آنچه برای خود نمی پسندد برای غیر نهند و نگوید آنچه را وفا نکند ...

کتاب ایقان ص ۱۴۸-۱۵۰

(۳) تأمل و تفکر و تعمق

علاوه بر خلوص و صداقت و توکل که از شروط اساسی مطالعه و قرائت آثار الهیه است جمالبارک تأمل در موارد مختلف را توصیه فرموده اند چنانچه در نفس کتاب مستطاب ایقان در موارد متعدّد امر به تأمل و تفکر فرموده اند ، از جمله :

... بسیار تأمل باید تا بر اسرار امور غیبی واقف شوید و از طیب معنوی گستان حقیقی بوئی برید ...

ص ۶

... آخر تأمل فرمائید که سبب این افعال چه بود که باین قسم با طلعات جمال زی الجلال سلوک مینمودند ...

ص ۱۱

... قسم بخدا که اگر درست ملاحظه شود تفرّط این سما اعظم است از تفرّط سما ظاهری قدری تأمل فرمائید دینی که ...

ص ۳۴

... اگر قدری در انبهای قبل و ظهور ایشان تعقل رود امر بسیار بر اهل دیار سنهست

شود . . . ص ۴۱

... باری در کلمات شمس حقیق باید تفکر نمود و اگر ادراک نشد باید از واقفین مخازن

علم سؤال شود . . . ص ۱۴۱

۴- حجت و برهان یا استدلال اعم از نقلی و عقلی در کتاب مستطاب ایقان در موارد متعدده و بوفور بکار گرفته شده است بعنوان مثال ذیل مطالبی که در اثبات امر حضرت رب اعلی اراه شده است جمالقدم هر دو نوع استدلال را مطرح فرموده اند از جمله براهین عقلی میتوان به استقامت آنحضرت اشاره نمود چنانچه میفرمایند ، قوله العظیم : "... و دلیل و برهان دیگر که چون شمس بین دلائل مشرقست استقامت آن جمال ازلی است بر امر الهی که با اینکه در سن شباب بودند و امری که مخالف کل ارضی از وضع و شریف و غنی و فقیر و عزیز و ذلیل و سلطان و رعیت بود با وجود این قیام بر امر فرمود . . . ص ۱۷۹ و از جمله براهین نقلی میتوان بمطلب ذیل اشاره نمود ، قوله الکریم : "... و از جمله کلمات مدله بر شمس جدید و امر بدیع فقرات دعای ندبه است که میفرماید (این المدخر لتجدید الفرائض و السنن و این المتخیر الاعاده الطیبه و الشریعة) . . . ص ۱۸۶ و در موارد دیگر جمالالمبارک باتوجه به آیات قرآنی در اثبات مطالب مختلفه از جمله رجعت - موت و حیات و یا لقاء اللیسه به اقامه دلیل پرداخته اند لهذا جهت توفیق بیشتر باید در هر محث به این موارد استدلالی نهایت دقت را بنمائیم .

۵- آیات قرآن کریم از مواضع محوری کتاب مستطاب ایقان میباشند که در ابعاد مختلف مورد تأویل قرار گرفته و یا بعنوان شاهد آمده اند . لهذا درک و فهم نفس این آیات و معانی آنها دارای اهمیت اساسی است بعبارت دیگر چنانچه معنی و مفهوم بسیاری از این آیات مورد توجه قرار نگیرد تأویل و تفسیری هم که از آن شده است آنطور که شایسته است تفهیم نخواهد شد . لذا در مطالعه آیات قرآنی و یا روایات باید اقلأ موارد ذیل را در نظر داشت :

الف - معانی دقیق لغات و اصطلاحات باتوجه به کاربرد آنها

ب - معنی و مفهوم ظاهری آیه

ج - توجه به مواضع عرفانی و ادبی آیه

د - توجه به کنایات و استعارات و تشبیهات

ه - مطالعه دقیق تأویلی که جمال مبارک از آن فرموده اند

تذکر: باتوجه به زمینه ها و امکانات موجوده مواضع الف و ب و ه بیشتر مورد نظر است

و- مفهومی که فضلی غیر بهائی از این آیات بیان کرده اند (تفاسیر قرآن)

در این زمینه برای شما مثالی ارائه مینمائیم تا بیشتر به اهمیت موضوع پی برده و در عین حال با چگونگی مطالعه نیز بیشتر آشنا شویم.

موضوع مورد نظر مسئله تحریف است ، جمالقدم بطور مستدل و با استفاده از آیات قرآن کریم مطالبی را بیان میفرمایند که خلاصه آن چنین است :

الف- تحریف آیات کتب مقدسه (تورات و انجیل) بمعنی محو و از میان بردن نیست.

برای بیان این حقیقت دلائل زیر را ارائه میفرمایند :

۱- آیا میشود کسیکه معتقد به کتابی گشته و ^{آنها} ~~لا~~من عند الله دانسته آنها محو نماید .

۲- تورات در همه روی ارض بود ، منحصر بزمه و مدینه نبود که بتوانند تغییر دهند و پساً تبدیل نمایند .

۳- اکثر آیات که مشعر بر تحریف است در باره یهود نازل شده است .

ب- جمالبارک با استناد به روایات و آیات قرآن کریم بیان میفرمایند که تحریف بمفهوم ذیل است :

۱- تحریف عبارت است از تحریف معانی کلام الهی

۲- تحریف بمفهوم تفسیر و معنی نمودن کتاب است بر هوی و میل خود .

برای بیان این حقائق جمالبارک ابتدا به ذکر نماندی تاریخی پرداخته اند که همان موضوع این صوریا و مسئله حذف حکم قتل از تورات است ، سپس با ذکر آیات قرآن کریم و موضوع فوق را مستدل میفرمایند ، این آیات عبارتند از :

(یحرفون الکلم عن مواضعه) - (تحریف در موضع مخصوص مثل موضوع فوق) - (و قد کان

فریق منهم یسمعون کلام الله ثم یحرفونه من بعد ما علقوه و هم یعلمون) (تحریف معانی)

(فویل للذین یکتبون الکتاب یا ید یهم ثم یقولون هذا من عند الله لیستروا به ثمناً قليلاً)

(نوشتن مقتریات و انتساب آنها به کتب مقدسه) (بعبارت دیگر تأویل و معنی نمودن بر هوی

و میل خود)

در پایان این مبحث جمالقدم مطلب بسیار بااهمیتی را در پاسخ آنان که گفتند (انجیل سماوی در دست نصاری نیست و به آسمان رفته) بیان میفرمایند ، قوله العظیم " (. . . دیگر غافل از اینکه همین قول نسبت کمال ظلم و جبر برای حضرت باری جلّ و عزّ ثابت میشود زیرا بعد از آنکه شمس جمال عیسی در میان قوم غائب شد و بظنك چهارم ارتقاء فرمود و کتاب حق جلّ ذکره که اعظم برهان اوست میان خلق او آن هم غایب شد دیگر آن خلو از زمان عیسی تا زمان اشراق شمس محمدی بجه متمسکند و به کدام امر مأمور و دیگر چگونه مورد انتقام منتقم حقیقی میشوند و

محل نزول عذاب و سیاط سلطان معنوی میکردند از همه گذشته انقطاع فیض و انسداد باب رحمت سلطان ایجاد لازم می آید

همچنانکه ذکر شد چنانچه معانی آیات قرآنیه مذکوره در بحث تحریف دقیقاً دانسته نشود ، مفهوم تعبیری هم که از آنها شده نیز بطور دقیق روشن نخواهد شد و صرفاً بطور سطحی مطالبی در ذهن ذخیره میشود .

۶- بسیاری اصطلاحات وجود دارند که اگر مفهوم آنها را بخوبی ندانیم اصل مطلب را هم بطور دقیق و کامل نخواهیم دانست هرچند معترفیم که بیانات حق سهل معتنع است و هرکس میتواند به اندازه فهم خود از آن بهره مند شود ولی در مرحله مطالعه تحلیلی و بررسی دقیق از فرا گرفتن این قبیل اصطلاحات که در سراسر کتاب ایقان بکار رفته ناکزیریم . برخی از این اصطلاحات بشرح ذیل است :

شئون - عرضیه - سبحات جلال - ظنون متعلقه به سبحات جلال - بداء - وادی ایمن - فطرت اصلیه - اسباب ظاهره - انقطاع صرف - بدایع نغمات حجازی - تغنیات خوش عراقی - اطوار و رقعات الفردوس - بیضای معرفت - صبحه - صور - ظهور اولیه - حجاب کبیر - مشرق ابداع - مغرب اختراع و . . .

توضیح چنین اصطلاحاتی را معمولاً میتوانید از قاموس ایقان و اسرار الآثار استخراج نمایید .

۷- جمالیقدم هر موضوعی را بطور کامل و جامع مورد بررسی قرار داده و جنبه های مختلفی برای هر مطلب مطرح فرموده اند . لهذا سعی میشود که ضمن شروع مطالعه یک موضوع تمام آن موضوع از ابتدا تا انتها مورد توجه قرار داده شود تا سلسله ارتباط مفاهیم از هم نگسلد و ذهن بتواند قادر به جمع بندی و تجدید نظر بر روی مطلب شود لذا باید از مطالعه پراکنده و غیرهم آهنگ جداً خودداری شود ، بعنوان مثال : مطالب مذکوره در صفحات ۶۵ الی ۷۰

مربوط به مسئله " تحریف " است (بحث ۳۴) لذا درک مناسب مفهوم تحریف مستلزم مطالعه دقیق مندرجات صفحات مذکوره است . در این زمینه فهرست آخر کتاب میتواند کمک لازم را بنماید .

۸- درک و فهم دقیق بسیاری از آیات قرآنیه مذکوره در کتاب مستطاب ایقان از اهم امور است زیرا جنبه کلیدی داشته و در درک و فهم تأویلات و تعبیراتی که از آن شده اهمیت بسزایی دارد . به نمونه هایی از این آیات اشاره میکنیم :

آیه مربوط به مؤمن آل فرعون	در صفحه ۹	(بحث ۸)
آیات " تحریف "	۶۸	(بحث ۳۴)
آیات " لقاء الله "	۱۰۸ و ۱۰۷	(بحث ۱۴) باب دوم

آیات مربوط به موت و حیات ایمانیه	صفحات ۸۷-۸۸-۹۳	(مبحث ۸)	باب دوم
" " رجعت	۱۱۵-۱۱۶	" ۱۶	"
" " خاتمیت و مقام مظاهر امر	۱۳۷-۱۳۸	" ۲۲	"

و نیز معنا و مفهوم دقیق احادیث و روایاتی که در خصوص اثبات امر حضرت رب اعلی بکار رفته
 بنحود دقیق باید مورد توجه قرار گیرد . (صفحات ۱۸۵-۱۹۲) (مبحث ۵۴)

طرق علمی پیشنهادی جهت مطالعه کتاب مستطاب ایقان

- گرچه مواردی که ذکر شد از اهمیت امور لازم جهت یادگیری کتاب ایقان است ، زیلاً نیز مسائلی توصیه میشود تا با اجرای آن به درک هرچه بهتر مطالب موفوق گردیم :
- الف - تشکیل کلاس آموزش ایقان زیر نظر فرد باتجربه (در صورت امکان)
- ب - تشکیل جلسات بحث و گفتگو و اظهار نظر در گروههای ۳ الی ۵ نفره ، در این مباحث بعلمت اینکه هرکس مطلبی را از جنبه و یا جنبه هائی متفاوت بررسی مینماید ، میتواند گفت که بازدهی لازم و مناسبی را خواهد داشت .
- ج - تلخیص یک موضوع بوسیله نوشتن مطالب مربوط به آن بصورت فهرست وار ، بعنوان مثال معانی مختلفه شمس را چنین خلاصه نمائیم :
- ۱- مقصود از شمس و قمر منحصر به شمس و قمر ظاهری نیست .
 - ۲- یکمعنی از شمس ، شمسهای حقیقتند که از مشرق قدم طالع میشوند (در اینجا ذکر تشابه شمس ظاهری و شمس حقیقت که در کتاب ایقان صورت گرفته قابل توجه دقیق است)
 - ۳- علاوه بر مظاهر کلیه اطلاق شمس بر اولیاء و اصفیای آنها نیز کرده است .
 - ۴- در مقام دیگر مقصود از شمس و قمر و نجوم علمای ظهور قبلند (وجه تشبیه در کتاب ایقان قابل توجه است .)
 - ۵- و در مقامی هم مقصود از اطلاقات شمس و قمر و نجوم، علوم و احکام مرتفعه در هر شریعت است .
- د - تلاش جهت طرح سؤال از متن کتاب و مواضع مورد مطالعه ، بعنوان مثال به چند مورد اشاره میشود : مقصود از سبحات جلال چیست ؟ با استفاده از سایر آثار مبارکانه تحقیق نمائیم - بلکه فطرت اصلیه چیست . مفهوم بداء چیست ؟ مفهوم رجعت را بررسی کنید . دلائل اثبات امر حضرت رب اعلی را مختصراً توضیح دهید ؟ مفهوم موت را بررسی نمائید ؟ استدلال مؤمن آل فرعون پیرامون ظهور حضرت کلیم را بیان کنید و .

هـ - استفاده از زمینه اطلاعات قبلی بنحو صحیح و درعین حال جدی و عمیق بشرح ذیل :

۱- درك صحیح مفاهیم با استفاده از زمینه دولسان عربی و فارسی

۲- " " " فلسفی و عرفانی و منطقی

۳- " " " تاریخی (بهیژه تاریخ ادیان)

۴- " " " تبییناتی که در سایر آثار مبارکه شده

و- توجه به اشارات و تشبیهات و تمثیلات بکار رفته با استفاده از معلومات ادبی در

زمینه صنایع ادب

توجه : در بعضی از موارد مذکور در قسمت " هـ " مثل شماره های ۲ و ۵ ممکن است در حال

حاضر زمینه لازم موجود نباشد .

و- استفاده از منابع کمکی بشرح ذیل :

۱- مجلّات قاموس ایقان تألیف جناب اشراق خاوری ، مطالعه منبع فوق بمنظور استخراج

معانی آیات ، احادیث و اصطلاحات لازمه ضرورت قطعی داشته و توصیه اکید میشود

علی الخصوص در زمینه بعضی اصطلاحات که در برنامه نمونه ای از آنها ذکر شد .

۲- کتاب فرائد تألیف جناب ابوالفضائل ، از آنجا که موضوع اساسی این کتاب رفع

شبهاتی است که بر کتاب مستطاب ایقان وارد آورده اند لهذا مطالعه تمام یک

صفتهایی از آن ما را به درك بهتر مطالب ایقان رهنمون شده و درعین حال از

مفاهیم عالییه ای که در این کتاب مندرج است نیز بی نصیب نمانده ایم ، یکی از کارهای

مفیدی که میتواند صورت گیرد تلخیص پاسخ تمام یا بعضی شبهاتی است که در این

کتاب مذکور است تا مورد استفاده سایرین فرار گیرد . البته این کار بمعنی تام آن

مشکل است .

۳- مجلّات اسرار الآثار تألیف جناب فاضل مازندرانی ، با استفاده از این اثر اصطلاحات

ادبی - عرفانی - امری و نیز اسامی اشخاص و اماکن و غیره را میتوانید مورد بررسی قرار

دهید .

۴- کتبی چون شش هزار لغت و یا سایر فرهنگهای لغت میتواند کمک لازم را بنماید .

۵- امر و خلقی مجلّات اول و دوم

ز - مطالعه بعضی از آثار مبارکه جهت درك بیشتر کتاب مستطاب ایقان

۱- جواهر الاسرار ۲- هفت وادی و چهار وادی ۳- دو خطبه عربی لوح اشراق

ج - استفاده از تبیینات همکل اطهر میثاق و یا حضرت ولی امرالله در خصوص مطالب ایقان

ط - آموزش کتاب مستطاب ایقان به سایرین و نیز ارائه نطق و یا کنفرانس در خصوص چند موضوع

و یا یک موضوع از مواضع مطروحه در کتاب مثل موضوع قیامت ، تحریف سلطنت مظاهر
 الهیه ، اثبات امر حضرت ربّ اعلی و ...
 ی - استفاده از مطالب کتاب مستطاب ایقان در منشآت و مکالمات ، همانطور که میدانید
 اغلب نویسندگان بهائی بخصوص کسانی که در زمینه مباحث استدلالی و اعتقادی کتسب و
 مقالاتی برشته تحریر در آورده اند از مندرجات کتاب مستطاب ایقان بوفور استفاده نموده
 و بعبارت اخری محور بیان موضوع، مطلبی است که از کتاب مستطاب ایقان اخذ نموده اند .
 لهذا یکی از طرق مفیدی که بویژه در آینده باید مد نظر باشد همین روش است .
 در اینجا به مطلبی که یکی از فضایل امر در زمینه اصول اعتقادی مطرح فرموده اند اشاره
 میکنیم تا بیشتر با همیت مطلب پی ببرید . این موضوع پیرامون تأثیرات مظهر امر پس از
 صعود است .

"... بعد از صعود از این عالم تأثیرات او شدیدتر است ، در کتاب ایقان این حقیقت
 نازل شد حضرت عبدالبهاء هم با استناد به مضمون بیان کتاب ایقان در معنی این آیه
 انجیل که این انسان سوار بر ابر می آید همین مطلب را فرمود . ابر همان حجابی است
 که در بین نور شمس و دیدگان مردم حائل است و چون مظهر امر در حجاب ماده و عوارض
 آن ظاهر میشود این است که میگویند سوار بر ابر می آید . ابر از تابش خورشید مانعست
 میکند و چون چنین نبود خورشید نمی تابد یا به اشدّ اشراق خود نمی تابد ، نورش ضعیف
 است ، حرارتش ضعیف است . . ."

ه - سخنی چند پیرامون استفاده از منابع کمکی

آثار مبارکه سهل و متنوع است و در سطوح مختلفه میتواند مطالعه شده و هر کس بانساز
 فهم و درک خود نصیب برد . این خصوصیت بدون تردید در مورد کتاب مستطاب ایقان وجود
 دارد یعنی در عین آنکه اثری است عظیم و مطول از حقائق و دقائق عمیق الهی - عرفانی - استدلالی
 و بر اساس آیات و روایات و نیز صنایع و ظرائف ادبی و سایر خصوصیات مربوط به یک کتاب آسمانی
 و خلّاق که فهم و درک آن محتاج دارا بودن زمینه های لازم است ولی بحکم اعجاز آیات الهی
 میتوان با دارا شدن خلوص و قلب صاف به بسیاری از حقائق مندرج در آن نائل گردید که شاید
 با بضاعت علمی و ادبی صرف قابل حصول نباشد .
 با علم به حقائق فوق الذکر از آنجا که در یک کار آموزشی ، تلاش - تحقیق و تعمق و تفکر
 از لوازم نیل به هدف است لهذا استفاده از جمیع امکانات موجوده که در آموزش و فهم این اثر
 منیع ما را یاری می نماید باید نهایت استفاده را بنمائیم . بنابراین استفاده از منابع کمکی معنا
 و مفهوم خاص خود را دارا میشود . علاوه بر کمکی که این منابع در زمینه آموزش ما مینمایند

از طریق مطالعه این کتب به میزان تلاش و نیز نحوه کار اساتید و فضایل امر مبارک پیسی
برده و استفاده لازم را بنمائیم.

قاموس ایقان اثری است که توضیحات، ریشه‌ها و مأخذ و معانی بسیاری از مطالب کتاب
مستطاب ایقان را برای ما روشن مینماید.

آیات قرآنی، احادیث، اخبار و روایات مرویه موجوده در کتب قبل و اصطلاحات عرفانی،
اسامی اشخاص و امکنه و بسیاری مطالب دیگر را میتوانیم از این منبع مفید استخراج نمائیم
ولی از آنجا که مطالب بطور مفصل و مشروح مورد بررسی قرار گرفته، لذا استفاده از آن
بستگی به میزان علاقه، وقت و هدف متعلم دارد. یعنی هم بطور تفصیل و هم بطور
مختصر میتوان از توضیحات استفاده نمود.

کتاب فرائد، مطالعه این اثر گرانقدر خود مستلزم دارا بودن زمینه لازم بوده و بسبب
سهولت برای هرکسی میسر نیست ولی بسیاری از مطالب آن میتواند ما را در جهت درک مطالب
کتاب مستطاب ایقان یاری نماید. زیلاً به برخی از این مواضع و با ذکر تقریبی صفحات
مربوطه اشاره مینمائیم تا در حین مطالعه موضوع مورد نظر از کتاب مستطاب ایقان به کتاب فرا
مراجعه نمائیم.

موضوع	شماره صفحه
حجّت کتاب و آیات	۱۷ - ۲۹
استناد به احادیث و بشارات قبل و کیفیت آن	۲۹ - ۶۱
مطلوبیت و مقهوریت ظاهری موعود بر اساس نصوی قبل	۱۲۵ - ۱۴۰
رجعت و تجدید سنن الهیه	۱۳۹ - ۱۴۹
مقصود از سلطنت و غلبه اولیاء الله	۱۴۹ - ۱۵۲
استقامت و شهادت دلیل حقانیت است	۲۴۰ - ۲۴۴
مقام ربوبیت مظاهر مقدسه - مفهوم تحریف - شرع جدید	۲۸۰ - ۲۸۹
مظاهر امر و مقامات آن همایکل مقدسه	۳۰۵ - ۳۰۹
استمرار ظهورات الهیه	۳۰۹ - ۳۱۶
مؤمنین به ادیان قبل و مسئله انتظار موعود	۳۱۸ - ۳۲۶
تفسیر آیات متشابهات و بشارت کشف اسرار کتب مقدسه بوسیله مظهر الهی	۳۴۷ - ۴۰۵

مسئله تشبیهات و استعارات و استعمال الفاظ (شمس - قمر - سما) در معانی غیر از مفهوم ظاهر	۴۲۷ - ۴۴۷
علائم ارضیه و سماویه و دینیه در خصوص قرب ظهور موعود (ظهور نجم - علائم ظهور - پسر انسان و . . .)	۵۲۳ - ۵۸۳
در خصوص کتاب ارشاد العوام	۵۸۵ - ۶۰۹

امر و خلقت ، یکی از مسائل اساسی و مورد لزوم در درک و فهم آثار الهیه مطالبی است که بوسیله نفس هیاک مقدسه بهائی راجع به بعضی از مطالب بصورت تأویل و تفسیر مطرح گردیده است و به اصطلاح ، توضیح آثار به کمک آثار مبارکه . از این لحاظ کتبی چون امر و خلق و یا مجلدات مائده آسمانی میتواند کمک لازم را بنماید . فصل سوم از باب چهارم امر و خلق تحت عنوان " در طریق حل رموز آثار مقدسه دینیه و توافق عقاید با عقل و علم زمان معاصر " یکی از مباحث مورد نظر است . بسیاری از مطالب متنوعه این فصل در کتاب مستطاب ایقان موجود است . بعنوان مثال تعبیر هیگل میثاق از موضوع طول عمر قندما مندرج در صفحه ۴۶۹ و ۴۷۰ امر و خلق (مربوط به فصل مذکور) میتواند راهنمای ما در فهم موضوع ذیل از کتاب مستطاب ایقان مندرج در صفحه ۵ باشد ، قوله الاعلی : " و از جمله انبیاء نوح بود که نهصد و پنجاه سال نوحه نمود . . . " و هیگل میثاق ذیل طول عمر قندما چنین میفرماید ، قوله الجلیل : " . . . ای بنده جمال ایبهی آنچه ذکر امتداد حیات سلف است امری است اعتباری نه بحسب اصطلاحی در این ایام زیرا در ازمنه قدیمه سنین مختلفه بوده بعضی یک دوره ماه را یکسال میشمردند و بعضی دوره آفتاب را . . . " و نیز میفرماید قوله الکریم : " نوحه آدم فی سبعین الف سنه لیست عبارة عن السنین المعروفة و الاعداد المعدوده بسلسلتها زمن مفروض یستوعب زمان معدوداً . . . "

آثار مبارکه : جواهر الاسرار - هفت وادی - چهار وادی و خطبه عربی اشراقات مشتمل بر بسیاری از حقائق مطروحه در کتاب مستطاب ایقان میباشد . حقائق از جمله : (تفکر در احتجاج امم قبل ، علامات ظهور و اراده در انجیل و معانی آن ، مقصود از ابدیت شرائع و معنی آسمان و زمین ممکن است زائل شود ولی کلام پسر انسان زائل نخواهد شد ، قیامت و علامتش ، مقصود از صراط و میزان ، شرائط سلوک سالکین ، امتحانات الهیه ، وحدت

الهیة ، وحدت حقیقیه مظاهر مقدسه ، جابلغا و جابلسا . . . علی اعراض نفوس ، لقاء اللہ ، قیام اموات ، معنی موت و حیات ، اسرار بیان انبیاء ، علامات اهل حق ، وادی حیرت ، مقام فنا ، علامت واصلین . . .) "نقل از گنج شایگان ذیل جواهر الاسرار"

بیان هفت وادی و چهار وادی و نیز خطبه عربی اشراقات پیرامون مفهوم عصمت و معصوم بودن انبیاء الہی جملگی مواردی است کہ علاقمندان بہ تعمق و تحقیق را حامی و مددکار است و بہ تفہیم مندرجات کتاب مستطاب ایقان مساعدت مینماید .

۶- زمینہ تحقیق

یکی از مسائل بسیار عمیق و اساسی این است کہ اصولاً چرا مطالب مربوط بہ ظہور بعد یا مسئلہ رجعت و قیامت کہ در کتب مقدسه قبل و یا آثار دانشمندان ، شعراء و سایر بزرگان بشر بکار رفته در قالب کنایہ و اشارہ و در لافہ تشبیہات و استعارات بیان گردیدہ و اینکہ وجہ این تشاہبات چیست مثلاً اینکہ چرا مظاهر امر بہ شمس - ادیان بہ سماء - قلوب بہ ارض وغیرہ . . . تشبیہ گردیدہ است و بعبارت اخری وجود سہل و نشانه ہا در ادیان و مذاہب گذشتہ گویای چہ حقائق است ، مفہیمی چون قربانی و رمز آن ، آتش خلیل و رمز آن ، اژدہا و رمز آن ، انشاق عمر و رمز آن و بسیاری از حقائق دیگر کہ درک روابط و ریشہ های دینی ، فرهنگی و فلسفی و عرفانی آن از مواضع بسیار مہمہ ای است کہ سالہا تحقیق و تتبع لازم دارد . امید است کہ کتاب مستطاب ایقان و مطالعہ دقیق آن طرق لاتعدّ ولا تحصی را بر وجہ علاقمندان بہ مطالعہ و تحقیق تحلیلی و اساسی بکشاید و چنانچہ در این رہگذر بہ توفیقاتی دست یافتند ما را نیز بی نصیب نفرمایند .

۷- تکلیف

بہ لحاظ اہمیت و موقعیت خاص آیات قرآنیہ در کتاب مستطاب ایقان چہار مورد از این آیات انتخاب گردیدہ است کہ باید از بر شود و تعبیری را ہم کہ جمالقدم از آن فرمودہ اند بخاطر سپارند . از این آیات در دو امتحان میان ترم و پایان ترم بضمیمہ سؤالات امتحانی ارزشیابی بعمل خواهد آمد . لہذا آنچه کہ در این تکلیف مورد نظر است عبارتست از :

۱- حفظ آیات قرآنیہ

۲- دانستن معنا و مفہوم کلمات مندرجہ در آیہ و در نتیجہ معنای تحت اللفظی آیہ

۳- تعبیری را کہ جمالبارک از آن فرمودہ اند (با توضیح مختصر)

آیات قرآنیہ مربوط بہ تکلیف

۱- آیہ مربوط بہ مؤمن آل فرعون :

(وقال رجل مؤمن من آل فرعون یکنم ایمانہ . . . انّ اللہ لا یہدی من ہو مسرف کذاب)

ذیل داستان حضرت موسی -۲۰-

۲- آیه مربوط به حمزه (او من كان ميتاً فأحييناه... بخارج منها) ذیل مقصود از

موت و حیات

۳- آیه مربوط به اسرار رجعت و بعثت (و كانوا من قبل يستفتحون... علی الکافرين)

۴- آیه مربوط به عدم انقطاع فیوضات رحمانیه (ولقد جئناکم یوسف من قبل... مسرف

مرتاب)

۸- جدول زمان بندی

مطالعه راهنمای درس، مقاله جناب طاهر	هفته اول و دوم
مبحث شماره ۱ الی ابتدای مبحث شماره ۱۴	هفته سوم
۱۹ " " " " ۱۴	هفته چهارم
۲۷ " " " " ۱۹	هفته پنجم
" " " " ۲۷	هفته ششم
مبحث شماره ۱ از باب دوم الی مبحث شماره ۹	هفته هفتم
مرور کلی درس	هفته هشتم
امتحان میان ترم	هفته نهم
مبحث شماره ۹ الی ابتدای مبحث شماره ۱۵	هفته دهم
۱۹ " " " " ۱۵	هفته یازدهم
۳۱ " " " " ۱۹	هفته دوازدهم
۴۵ " " " " ۳۱	هفته سیزدهم
۵۱ " " " " ۴۵	هفته چهاردهم
۵۶ " " " " ۵۱	هفته پانزدهم
" " " " ۵۶ تا پایان کتاب	هفته شانزدهم
مرور کلی درس	هفته هفدهم
امتحان پایان ترم	هفته هجدهم

فهرست موضوعهای کتاب مستطاب ایقان

(چاپ مصر در سال ۱۳۱۸ ه. ق مطابق ۱۹۰۰ میلادی)

طریقه مجاهدت و شرط وصول به حقیقت از صفحه ۲ تا صفحه ۷۸

مشمول بر موضوعات ذیل :

- | | |
|-------|--|
| ۳-۲ | ۱- طریقه طلب و سلوک و انقطاع |
| ۴-۳ | ۲- انتظار و تضرع مردم برای ظهور موعود و تکذیب مظاهر الهیه |
| ۵-۴ | ۳- ابتلای انبیاء و سبب اعتراضات عیار |
| ۶-۵ | ۴- حضرت نوح |
| ۷ | ۵- " هود |
| ۸ | ۶- " صالح |
| ۹-۸ | ۷- " ابراهیم خلیل |
| ۱۱-۹ | ۸- " موسی |
| ۱۱ | ۹- حجّت کامل است و فضل النهی منقطع نمیشود |
| ۱۴-۱۲ | ۱۰- علمای عصر باعث منع و احتجاب ناس بوده اند |
| ۱۶-۱۵ | ۱۱- حضرت عیسی |
| ۱۷-۱۶ | ۱۲- اشاره به بشارات حضرت مسیح در کتاب جواهر الاسرار و ایقان |
| ۱۹-۱۷ | ۱۳- مقامات تفصیل و فرق و اتّحاح مظاهر الهیه |
| ۲۰-۱۹ | ۱۴- ذکر بشارات و علامات وارده در انجیل متی |
| ۲۴-۲۱ | ۱۵- علمای انجیل معنی بشارات را درک نکردند |
| ۲۶-۲۵ | ۱۶- معنی و مقصود از ضیق (تنگی) |
| ۳۷-۲۷ | ۱۷- معنی و مقصود از شمس و قمر و تاریکی آنها و سقوط نجوم |
| ۴۱-۳۷ | ۱۸- معنی و مقصود از سما و ارض و تبدیلی ارض و انفطار سما |
| ۴۲-۴۱ | ۱۹- تغییر قبله اسلام از بیت المقدس به مکه |
| ۴۴-۴۲ | ۲۰- قریبت و امتحانات الهیه |
| ۴۶-۴۵ | ۲۱- حکایت حضرت موسی و قتل نفس |
| ۴۹-۴۶ | ۲۲- حکایت حضرت مریم و تولّد حضرت عیسی |
| ۵۱-۵۰ | ۲۳- اشاره و تلویح بظهور مبارک در آینده |
| ۵۲ | ۲۴- معنی و مقصود از ظهور علامات ابن انسان در سما |
| ۵۴-۵۳ | ۲۵- طلوع نجم در سما و ظهور مبشر در ارض در هر ظهور |
| ۵۵ | ۲۶- " " " " شیخ احمد و سید کاظم دو مبشر |
| ۶۴-۵۵ | ۲۷- معنی نوحه قبائل ارض و معنی سما و سحاب و درخان |
| ۵۸ | ۲۸- تقسیم علم به دو قسم " الهیه و شیطانی " |
| ۶۵-۶۴ | ۲۹- علو امر جدید باعث اضطراب و بغض اعدا میشود |
| ۶۷-۶۵ | ۳۰- معنی و مقصود از قیامت و ملائکه |
| ۶۸-۶۷ | ۳۱- اگر موعود بعلائم ظاهره ظهور نماید بین سعید و شقی فصل نمیشود |
| ۶۹-۶۸ | ۳۲- محرومیت مردم بواسطه عدم فهم معانی حقیقی بشارات از طرف علماء بوده |
| ۷۰-۶۹ | ۳۳- بیان " حدیثنا صعب مستصعب " |
| ۷۶-۷۰ | ۳۴- معنی و موارد تحریف آیات و حکایت ابن صوری |

۳۵- طریقه معرفت حقیقی و برهان واقعی
۳۶- خواهش از اهل بیان که وصایای الهی را در ظهور جدید فراموش نکنند

بَاب دیگر

در بیان سلطنت حقیقی مظاهر الهی و فنای مطلق آنان از صفحه ۷۸ تا صفحه ۲۱۶ مشتمل بر موضوعهای ذیل :

- ۱- بیان تقدیس و تنزیه ذات الهی و عدم امکان ادراک آن
- ۲- مظاهر مقدسه مراتب الهی و حکایت از ذات مینماید
- ۳- اسماء و صفات الهی از آن جواهر وجود ظاهر است
- ۴- سؤال از سلطنت قائم و جواب آن
- ۵- ذکر علمای عصر رسول الله مانند عبدالله ابی و ابوعامر راهب و کعب بن اشرف و نصر بن حارث که به تکذیب قیام کردند
- ۶- بیان سلطنت ظاهره حضرت محمد و دیگر مظاهر الهی و غلبه آنان
- ۷- بیان قیامت و حشر و نشر و حساب و فصل بین مؤمن و کافر
- ۸- اتحاد و انجذاب نفوس متخالفه و معنی اجتماع گرگ و میش
- ۹- مقصود از موت و حیات و خلق جدید و نفع صور
- ۱۰- بیان حضرت مسیح در باره تولد جدید
- ۱۱- معنی مجدد سلطنت و ذکر مقام شهادت و تربیت حضرت امام حسین سیدالشهدا (۱۰۱-۱۰۵)
- ۱۲- مظاهر الهی در عین ذلت و ابتلاء ظاهری بر عرش عزت و غنا جالس اند و بیان حضرت عیسی و حضرت صادق در این باب
- ۱۳- عین افتراضات یهود و نصاری بر حضرت محمد در این ظهور تکرار شد
- ۱۴- افتراض یهود که صاحب شریعت جدید نباید بیاید
- ۱۵- منتهی فیض الهی لقا^۱ الله و عرفان اوست و آیات مورد استشهاد و مقصود از لقا^۱ الله
- ۱۶- اشاره به بشارات امر جدید که در عراق تحت حجاب نور است
- ۱۷- اسرار رجعت و بعثت و طلب معجزه قربانی سوختنی
- ۱۸- شرح وحدت مظاهر مقدسه
- ۱۹- حیات جدید مؤمنین و تغییر حالات و اطوار آنان
- ۲۰- تبدیل ماده نحاسی بدین پس از هفتاد سال ولی اکسیر درآنی بمقام ذهب میرساند و بیان اکسیر الهی و حکم رجوع اصحاب قبل در ظهور بعد
- ۲۱- ذکر شباهت و مثلث اصحاب رسول الله و اصحاب نقطه بیان
- ۲۲- اولیبت و آخریت و خاتمیت
- ۲۳- ذکر سبحات جلال ، بیان حضرت علی علیه السلام (علمای مخالف و ذکر خاتم النبیین از جمله سبحات مجلله اند)
- ۲۴- بیان حضرت علی علیه السلام و نکاح الف فاطمه
- ۲۵- بیان حضرت حسین بن علی که با الف آدم بودم
- ۲۶- بیان خاتمیت و اینکه مظاهر الهی مظهر بفعل مایشاء و بحکم مایریدند
- ۲۷- ۱۲۸۰ سنه از ظهور نقطه فرقان گذشت و هنوز درک معانی قرآن نکرده اند
- ۲۸- سؤال از اینکه چگونه حساب خلائق کشیده شد و جواب آن
- ۲۹- با خلوص نیت اگر کتاب الله را ملاحظه نمایند ادراک میکنند

- ۳۰- آیات مربوط به دارالسلام و ظهور الله
۱۴۷-۱۴۶
- ۳۱- تلویح اظهار امر جدید در آینده
۱۴۷
- ۳۲- دو مقام توحید و تفضیل با جمع و فرق مظاهر الهیه
۱۵۲-۱۴۸
- ۳۳- بیان اتنی انالله و الوهیت مظاهر مقدسه و ختمیت و بدئیت آنان
۱۵۰
- ۳۴- الوهیت و ربوبیت مظاهر مقدسه رتبه محویت و فنای مطلق آنان است
۱۵۱-۱۵۰
- ۳۵- باقتضای هر مقام ذکر ربوبیت یا رسالت یا ولایت یا امامت و یا عبودیت میشود
۱۵۱
- ۳۶- اشکالات کلمات الهی را باید از واقفین مخازن علم حقیقی سئوال نمود نه از
علماء و فقهای عصر که بخیال خود تفسیر میکنند
۱۵۲
- ۳۷- سئوال از اهله و روح از حضرت محمد رسول الله
۱۵۳-۱۵۲
- ۳۸- " العلم نقطه کثرها الجاهلون " " العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء " *
۱۵۴
- ۳۹- ذکر حاجی محمد کریمخان و کتاب ارشاد العوام
۱۵۶-۱۵۴
- ۴۰- العلم حجاب الاکبر
۱۵۸-۱۵۷
- ۴۱- موضوع کیمیا مذکور در ارشاد العوام
۱۵۹-۱۵۸
- ۴۲- از اهل علم حقیقی و اهل ذکر باید مطالب را پرسید
۱۶۰-۱۵۹
- ۴۳- شرایط مجاهده و سلوک
۱۶۴-۱۶۰
- ۴۴- حیات تازه پس از مجاهده
۱۶۷-۱۶۴
- ۴۵- این مدینه در هزار سال یا کمتر یا بیشتر تجدید میشود
۱۶۷
- ۴۶- این مدینه کتب الهی است و اوصاف و شئون کتاب الله و تأثیر آن
۱۷۰-۱۶۸
- ۴۷- آیات و کتاب دلیل محکم و حجت اعظم است و احادیث این مقام را ندارند
۱۷۳-۱۷۰
- ۴۸- عدم انقطاع فیض الهی و استمرار نزول کتب آسمانی
۱۸۶-۱۷۴
- ۴۹- کثرت آثار حضرت نقطه اولی - با وجود سرقت و تاراج الان بیست مجلد
بدست می آید
۱۸۷-۱۸۶
- ۵۰- دلیل ایمان علمای حقیقی و مخلص و جانفشان
۱۸۸
- ۵۱- اسامی ۱۳ نفر از علمای این ظهور و اینکه قریب چهارصد نفر علماء تصدیق
کرده و از جان گذشته اند
۱۹۲-۱۸۸
- ۵۲- از علمای مشهور که زمام ناس در دست آنها بوده احدی مؤمن نشده بلکه
به تکذیب قیام کرده اند - نصیحتی به اهل بیان
۱۹۴-۱۹۳
- ۵۳- دلیل دیگر استقامت حضرت اعلی اس - و تمناهای آن حضرت شهادت را
۱۹۶-۱۹۵
- ۵۴- دلیل دیگر غلبه و قدرت و احاطه حضرت اعلی اس
۱۹۸-۱۹۷
- ۵۵- دلیل دیگر رد و سلب و لعن اهل ارض
۱۹۹-۱۹۸
- ۵۶- ذکر احادیث داله بر این ظهور بدیع
۲۰۹-۲۰۰
- ۵۷- شخصی اعور به معارضه برخیزد
۲۰۹
- ۵۸- نفسیکه به کمال زهد و تقوی موصوف است بمحاربه قیام نماید
۲۰۹
- ۵۹- خواهش و تذکره علماء و فقهای بیان
۲۰۹
- ۶۰- بیان مخالفت و نفاق گروه حاسدین و اعدا
۲۱۰
- ۶۱- بیان علت مهاجرت و غیبت در ساله از بغداد به کردستان
۲۱۲-۲۱۱
- ۶۲- با این آیات و احادیث واضحه غافل مانده اند و به احادیثی که بتصور خود
نقل میکنند متشبث اند
۲۱۴-۲۱۲
- ۶۳- اعراض و انکار امر الهی باعث ظهور امور شیطانی و تنگی معیشت و فقدان
حیات روحانی میشود
۲۱۶-۲۱۵

۱۰- چند تذکر مهم در مورد چاپهای مختلف کتاب مستطاب ایقان

- ۱- کتابی که برای مطالعه انتخاب مینمائید طبع مصر باشد
طبع ۱۳۵۲ هـ / ۱۹۳۳ م و یا ۱۳۱۸ هـ / ق / ۱۹۰۰ م و یا چاپهای دیگری
که در سالهای اخیر بطبع رسیده است.
- ۲- در کتابهای موجوده اشتباهات و اختلافهایی موجود است.
- ۳- (در مواردی از کتاب مستطاب ایقان آیات قرآنیه نقل به مضمون شده است مثلاً در موقعی
چنین میفرمایند ، قوله الاحلی " . . . مع ذلك امر چنین واقع میشود که مشهود است ")
و این مضمونات در قرآن هم نازل شده چنانچه میفرماید (. . .)

توضیح :

از آنجا که بعضی از دوستان عزیز در مرحله کنونی از مطالعه خود قادر به استفاده از
منابع انگلیسی خواهند بود ، لهذا فهرست پاراگرافهای ترجمه هیگل اطهر حضرت ولی
امرالله از کتاب مستطاب ایقان ضمیمه برنامه میشود تا علاقمندان بتوانند برای حصول
درک بهتر مطالب کتاب مستطاب ایقان از ترجمه انگلیسی آن در کلیه موارد و یا در بعضی از
مواضع مورد نظر استفاده نمایند . با توجه به این حقیقت که بیانات حضرت ولی امرالله در عین
ترجمه ، تبیین و توضیح مندرجات کتاب مستطاب ایقان میباشد . لهذا توجه به این امر در
آموزش این اثر منبع دارای اهمیت است .

"مربوط به درس کتاب مستطاب ایقان"

		صفحه ایقان فارسی		صفحه ایقان انگلیسی		آغاز پاراگراف
						الباب المذكور
۰۱/۳۹	چنانچه در	۲۸/۲۲	حال این	۳/۲	۳/۲	جوهر این باب
۰۲/۴۰	اگر قدری	۲۹/۲۳	قوله من بعد	۳/۲	۳/۲	ناظر به ایام
۰۳/۴۱	اگر قدری در	۳۱/۲۴	حال کدام ضیق	۴/۳	۴/۳	حال قدری تأمل
۰۵/۴۳	حال تفکر در	۳۲/۲۵	حال اگر مقصود	۴/۳	۴/۳	و همچنین کلمات
۰۶/۴۳	و همچنین در حالت	۳۳/۲۶	و قوله نظم	۰/۴	۰/۴	اگر در ابتلای
۰۷/۴۴	حال ناظر به این	۳۴/۲۷	و اینکه در	۶/۵	۶/۵	و از جمله انبیاء
۰۷/۴۴	حال مشاهده	۳۵/۲۷	و اطلاق شمس	۶/۵	۶/۵	حال قدری تأمل
۰۸/۴۵	حال ای برادر	۳۶/۲۸	و در مقام	۸/۶	۸/۶	و بعد از نوح
۰۸/۴۵	چشم انصاف	۳۷/۲۹	و اطلاق شمس	۹/۷	۹/۷	و بعد هیکل
۰۹/۴۶	الله اکبر بیان	۳۸/۲۹	پس ای سائل	۹/۷	۹/۷	و بعد زمان
۶۰/۴۷	و عالم هستی	۳۸/۳۰	و در مقامی	۱۱/۸	۱۱/۸	حال قدری در
۶۱/۴۸	و قوله حینئذ	۳۹/۳۰	چنانچه از انوار	۱۲/۱۰	۱۲/۱۰	آخر تأمل فرمائید
۶۲/۴۸	از جمله خلیل	۳۹/۳۰	و در حدیث	۱۳/۱۱	۱۳/۱۱	و در همه اوقات
۶۳/۴۸	و بعد از	۴۱/۳۲	و این مسلم	۱۵/۱۲	۱۵/۱۲	پس قدری
۶۴/۴۹	و همچنین	۴۲/۳۲	حال به چشم	۱۶/۱۳	۱۶/۱۳	مثلاً چون
۶۴/۴۹	و قالوا	۴۳/۳۳	ای برادر	۱۷/۱۴	۱۷/۱۴	و در کشف
۶۵/۵۰	و همچنین قبل	۴۳/۳۳	این است معنی	۱۹/۱۵	۱۹/۱۵	بر اولی العلم
۶۵/۵۰	تا رسید به	۴۴/۳۴	و همچنین از	۲۰/۱۶	۲۰/۱۶	و اگر بدیده
۶۶/۵۱	پس از این	۴۵/۳۵	و دیگر زحمت	۲۰/۱۶	۲۰/۱۶	ولله اصحاب
۶۶/۵۱	و قوله (وینوح . . .)	۴۶/۳۵	و همچنین معنی	۲۲/۱۷	۲۲/۱۷	و این مظلوم
۶۸/۵۲	و لفظ سماء	۴۷/۳۶	و از نعمات	۲۲/۱۸	۲۲/۱۸	حیف است
۶۹/۵۳	و علم بد و قسم	۴۷/۳۶	و دیگر معنی	۲۳/۱۸	۲۳/۱۸	و این است نعمات
۷۰/۵۴	پس باید	۴۸/۳۷	و همچنین	۲۴/۱۹	۲۴/۱۹	و علمای انجیل
۷۰/۵۴	باری از	۴۹/۳۸	و از جمیع	۲۶/۲۰	۲۶/۲۰	و از این عبارت
۷۱/۵۵	پس از این	۴۹/۳۸	و همچنین	۲۷/۲۱	۲۷/۲۱	

و مثل این از ۱۰۱/۱۳۱	۱۰۵/۷۹	چنانچه مشاهده	۷۲/۵۵	و این است
و این فقره را ۱۰۲/۱۳۲	۱۰۶/۸۰	باری راجع به	۷۳/۵۷	و این معلوم
و دیگر آنکه روزی ۱۰۲/۱۳۲	۱۰۷/۸۰	و دیگر آنکه	۷۵/۵۷	پس باید جهدی
و همچنین در انجیل ۱۰۳/۱۳۳	۱۰۹/۸۲	این است که	۷۵/۵۸	سبحان الله با
و به قدم تعیین ۱۰۴/۱۳۵	۱۰۹/۸۲	در این موقع	۷۶/۵۹	و همچنین میفرماید
چون غیب ازلی ۱۰۵/۱۳۵	۱۱۰/۸۳	و حال امروز	۷۸/۶۰	و عنقریب است
اگرچه شرح ۱۰۶/۱۳۶	۱۱۱/۸۴	و از جمله سلطنت	۷۸/۶۱	و قوله
جمع این آیات ۱۰۸/۱۳۹	۱۱۳/۸۵	این است معنی	۷۹/۶۲	باری چون
و اگر گویند ۱۰۹/۱۴۱	۱۱۳/۸۶	و دیگر آنکه ملاحظه	۸۰/۶۲	و چون ام
و این است ۱۱۱/۱۴۳	۱۱۴/۸۶	چنانچه وقتی	۸۱/۶۳	این است
پس ای برادر ۱۱۲/۱۴۴	۱۱۵/۸۷	و علمای تفسیر	۸۳/۶۴	سبحان الله با
حال ملاحظه فرمائید ۱۱۳/۱۴۵	۱۱۶/۸۷	بلکه مقصود	۸۳/۶۵	و اگر از ایشان
و این رتبه هم ۱۱۳/۱۴۶	۱۱۷/۸۹	سبحان الله چقدر	۸۴/۶۵	بلی در آیات
ای دوست من ۱۱۴/۱۴۷	۱۱۸/۹۰	و این مطلب	۸۶/۶۷	این يك موضع
از جمله اینکه ۱۱۵/۱۴۸	۱۱۹/۹۱	و در مقام دیگر	۸۷/۶۸	و در مقام
درست در این ۱۱۶/۱۴۹	۱۱۹/۹۱	همچنین در نفر	۸۷/۶۸	و در موضع
و همچنین در این ۱۱۶/۱۵۰	۱۲۰/۹۲	و هرگز در	۸۸/۶۸	چنانچه الیوم
حال حکم رجوع ۱۱۷/۱۵۱	۱۲۱/۹۲	و همچنین بیانات	۸۸/۶۹	باری مقصود
و دیگر معلوم ۱۱۸/۱۵۲	۱۲۲/۹۳	چنانچه الیوم	۸۹/۶۹	اگرچه از
باری معلوم ۱۱۹/۱۵۳	۱۲۳/۹۴	باری مقصود از	۹۰/۷۰	ای عزیز
و همچنین گروه ۱۲۱/۱۵۵	۱۲۴/۹۵	باری این است	۹۱/۷۱	ای سائل
باری این مطلب ۱۲۲/۱۵۶	۱۲۵/۹۵	سئوالی مینمائیم	۹۲/۷۱	در این وقت
مثلاً در ماده ۱۲۲/۱۵۷	۱۲۵/۹۶	پس بدان	۹۷/۷۳	لطائف و جواهر
باری در هر حال ۱۲۲/۱۵۷	۱۲۶/۹۷	و اگر مقصود	۹۸/۷۳	و بر اولی العلم
همچنین این نفوس ۱۲۳/۱۵۷	* ۱۲۶/۹۷	حال اگر بر حسب	۹۹/۷۴	و چون ابواب
ای برادران ۱۲۳/۱۵۸	۱۲۶/۹۸	باری مقصود	۱۰۰/۷۵	و احادیث و اخبار
این است که ۱۲۳/۱۵۸	۱۲۸/۹۹	و همچنین ملاحظه	۱۰۲/۷۶	قسم بخدا ای
پس نظر را ۱۲۴/۱۵۹	۱۲۹/۹۹	و همچو مقصود	۱۰۲/۷۶	باری از این
پس از این ۱۲۵/۱۶۱	۱۲۹/۱۰۰	و دیگر اگر بخواهیم	۱۰۳/۷۷	و این صفات
و این مطلب ۱۲۶/۱۶۱	۱۳۰/۱۰۰	این است که	۱۰۵/۷۸	بلی این عباد
* حال اگر بر حسب ظاهر تفسیر کنید این آیه = ان جندنا لهم الغالبون (ص ۹۶)				

۲۱۰/۱۶۲	گوش بحرفهای	۱۸۴/۱۴۲	باری چون معنی	۱۶۲/۱۲۶	وبه این مطلب
۲۱۰/۱۶۳	باری این سخن	۱۸۴/۱۴۲	مثلاً در کتاب	۱۶۳/۱۲۷	باری همان
۲۱۱/۱۶۴	و همچنین میفرماید	۱۸۶/۱۴۴	سبحان الله با	۱۶۴/۱۲۷	حال قول
۲۱۲/۱۶۴	چنانچه الیوم	۱۸۷/۱۴۵	و الیوم مقیمان	۱۶۴/۱۲۸	با اینکه همه
۲۱۲/۱۶۴	این است که	۱۸۸/۱۴۵	باری بسیار تعجب	۱۶۵/۱۲۹	و با اینکه این
۲۱۳/۱۶۵	چنانچه اهل	۱۸۹/۱۴۶	از جمله علوم	۱۶۶/۱۲۹	و همچنین ذکر
۲۱۴/۱۶۶	در معنی "واخله..."	۱۹۰/۱۴۷	و در مراتب	۱۶۷/۱۳۰	و همچنین نغمه
۲۱۵/۱۶۷	بشنوید ندای	۱۹۰/۱۴۷	تفکر در آیه	۱۶۸/۱۳۱	باری ای حبیب
۲۱۵/۱۶۸	چنانچه الیوم	۱۹۱/۱۴۸	باری ای برادران	۱۶۸/۱۳۱	بسیار تعجب
۲۱۷/۱۶۹	ای برادر نباید	۱۹۱/۱۴۸	و چون مفهوم	۱۶۹/۱۳۲	ومعذک
۲۱۷/۱۶۹	و همچنین میفرماید	۱۹۲/۱۴۸	ولیکن ای	۱۷۱/۱۳۳	سبحان الله جهل
۲۱۹/۱۷۱	و همچنین میفرماید "گو نزلناه"	۱۹۳/۱۴۹	و غیبت را ضلالت	۱۷۱/۱۳۳	حال انصاف
۲۱۹/۱۷۱		۱۹۵/۱۵۱	و این شرایط	۱۷۲/۱۳۴	باری هزارو...
۲۲۰/۱۷۱	حال اگر کسی	۱۹۵/۱۵۱	و چون سراج	۱۷۲/۱۳۴	چنانچه شخصی
۲۲۱/۱۷۲	و از جمله ادله	۱۹۶/۱۵۲	قسم بخدا	۱۷۳/۱۳۵	این است که
۲۲۲/۱۷۳	و اما در این	۱۹۸/۱۵۳	و مجاهدین فی الله	۱۷۴/۱۳۵	اختتم القول
۲۲۳/۱۷۳	از آن جمله	۱۹۹/۱۵۳	پس ای حبیب	۱۷۵/۱۳۶	بیان را در
۲۲۳/۱۷۴	همه اینها مهتدی	۲۰۰/۱۵۴	مثلاً فرقان	۱۷۵/۱۳۶	قسم بخدا که
۲۲۴/۱۷۵	حال انصاف	۲۰۰/۱۵۵	چنانچه جمیعها یحتاج	۱۷۶/۱۳۶	از قبل در
۲۲۵/۱۷۵	آیا نبود	۲۰۰/۱۵۵	چنانچه نقطه	۱۷۷/۱۳۷	نظریه اختلاف
۲۲۷/۱۷۶	و از همه	۲۰۲/۱۵۵	حال به چشم	۱۷۷/۱۳۷	باری معلوم
۲۲۸/۱۷۷	حال ملاحظه فرمائید	۲۰۲/۱۵۶	و اول کتاب	۱۷۸/۱۳۸	و در مقام ثانی
۲۲۸/۱۷۸	یا ابن الانسان	۲۰۴/۱۵۷	باری باید از	۱۷۸/۱۳۸	و از این
۲۲۸/۱۷۸	ولکن معلوم باشد	۲۰۴/۱۵۷	و همچنین در جای	۱۷۸/۱۳۸	و اگر شنیده شود
۲۲۹/۱۷۸	و رب اعلی	۲۰۶/۱۵۹	ای رفیق	۱۸۰/۱۴۰	در این زمان
۲۳۰/۱۷۹	و دلیل برهان	۲۰۶/۱۵۹	همچنین میفرماید	۱۸۱/۱۴۰	باری نظریه این
۲۳۱/۱۸۰	سبحان الله را اول	۲۰۶/۱۵۹	و در جای دیگر	۱۸۱/۱۴۱	باری در کلمات
۲۳۱/۱۸۰	و همچنین در تفسیر	۲۰۷/۱۶۰	و در جای دیگر	۱۸۲/۱۴۱	مثل اینکه مذکور
۲۳۲/۱۸۰	آیا صاحب	۲۰۹/۱۶۲	و در جای دیگر	۱۸۳/۱۴۱	همچنین در آیه

۲۳۳/۱۸۱	و استقامت بر امر
۲۳۳/۱۸۱	حال ملاحظه فرمائید
۲۳۴/۱۸۲	واز جمله دلائل
۲۳۵/۱۸۳	حال قدری تفکر
۲۳۶/۱۸۴	باری در جمیع
۲۳۷/۱۸۵	اگرچه این بنده
۲۳۸/۱۸۵	از جمله احادیث
۲۳۹/۱۸۶	باری چون مناری
۲۴۰/۱۸۶	واز جمله کلمات
۲۴۰/۱۸۷	حال ملاحظه فرمائید
۲۴۲/۱۸۸	حال این روایات
۲۴۳/۱۸۹	وهیچ ادراکی
۲۴۴/۱۹۰	آیا این حدیث
۲۴۶/۱۹۱	و دیگر ملاحظه فرمائید
۲۴۷/۱۹۱	این است حکم
۲۴۸/۱۹۲	واز فقها
۲۴۹/۱۹۳	باری امید وارم
۲۵۰/۱۹۴	باری چه اظهارنعمایم
۲۵۱/۱۹۵	دیگر قلم عاجز
۲۵۲/۱۹۵	صاحبان هوش
۲۵۳/۱۹۶	ملاحظه فرمائید که
۲۵۴/۱۹۶	باری تحسیر است
۲۵۴/۱۹۷	و بر آن جناب
۲۵۶/۱۹۸	باری ذکر این
۲۵۶/۱۹۸	ولیکن احدی
۲۵۶/۱۹۹	واختم القول
۲۵۷/۱۹۹	و كذلك
۲۵۷/۱۹۹	النزول من الباء
۲۵۷/۱۹۹	السلام علی من
۲۵۷/۱۹۹	فسبحان

دوستان عزیز در برنامه‌های دروس مطالعه آثار مکرراً ذکر شده است که این دروس به نحوی مطالعه خواهند شد که جامعیت و کلیت آثار مبارکه حفظ گردد و با توجه به همین روش اصولاً در طریق مطالعه آثار مبارکه مورد نظر، اهداف اصلی و فرعی مطالعه مطرح نشده است ولی سعی و تلاش بر این است که در سیستم ارزشیابی شرایط و وسایلی فراهم گردد تا هر چه بیشتر در مواضع مورد مطالعه تفکر و تعمق بعمل آید. سعی بر این است که در تمام دوره مطالعه آثار مبارکه این فرازاها از دستخطهای معهد اعلی مورد توجه قرار گیرد که به نحوی در جهت حفظ کلیت و جامعیت آثار مبارکه است:

۱ - حضرت بهاء الله برای عالم بشریت چه میخواهند؟

۲ - برای حصول چه مقصودی و منظوری تحمل شدائد فوق الطاقه فرمودند؟

۳ - منظور مبارکشان از خلق جدید چیست؟

۴ - حضرتش چه تغییرات عمیقی بوجود خواهند آورد؟

بر این اساس گروه مطالعه آثار جهت استفاده از بحر بیکران آثار مبارکه، که در بردارنده مفاهیم عالی و عمیق است و مانده ایست گسترده از نعم روحانی و جهت تمرین و ورزیدگی فکری و بدست آوردن تجربه‌ای درونی و آمادگی ذهنی، به طرح تکلیف برای شما پرداخته است. این تکالیف باعث میگردند که اولاً متوجه به مفاهیم آثار مبارکه بیشتر گردد. ثانیاً تمرینی است برای استفاده از معلومات زمینه‌ای دانشجو جهت درک بهتر آثار مبارکه. مواردی که جهت تکلیف در نظر گرفته شده‌اند به گروههای ذیل تقسیم میگردند.

۱ - مطالعه آثار مبارکه بوسیله و کمک سایر آثار: در این تمرین جهت توضیح و تبیین برخی از مفاهیم و نصوص، از سایر آثار و نصوص مبارکه استفاده میشود که معمولاً از دو یا چند منبع استفاده میگردد. موارد انتخاب شده بنحوی است که از لحاظ ظاهر و با مفاهیم در هر یک از منابع مورد مطالعه با یکدیگر ارتباط دارند. این امر باعث میگردد که درک آثار مبارکه از طریق سایر آثار و تبیینات دیگر طلعات مقدسه، بهائی به نحو بهتری انجام گیرد نمونه‌های مطلوبی که در این موارد میتوان مثال زد مجلدات مانده آسمانی تالیف عالم شهیر جناب اشراق خاوری و ۴ جلد امر و خلق تالیف جناب فاضل مازندرانی است که در این آثار، مواضع مختلفی، فکری طلعات مقدسه، امر مبارک با یکدیگر مورد انطباق و مقایسه قرار گرفته است.

۲ - پاسخ به سوالات خاص: در این تمرین با طرح سوالات و مواضع مهمی از آثار مبارکه از میزان استنباط دانشجویان از این آثار مبارکه سنجش گردیده و هدف از آن این است که در واقع برداشتهای مختلف افراد از مفاهیم مشخص گردد.

۳ - حفظ نمودن آثار: هدف از این تمرین، تشویق دانش پژوهان به حفظ نمودن مهمترین تکیه‌گاههای طلعات مقدسه بر آثار است که برای هر فرد مومن ضروری است که در کارهای تبلیغی و تشویقی و همچنین تذکر و تنبه خود فرد از حفظ آنها را بکار ببندد و ابراز نماید. در این مورد می‌توانیم به کتاب عهدی و آیاتی از کتاب اقدس که در برنامه، تکالیف مطالعه آثار وجود دارند اشاره نماییم.

نکاتی که برای انجام تکالیف بطور کلی باید رعایت گردد.

- الف - رعایت نظافت - داشتن خط خوانا - انتخاب کاغذ مناسب (حتی الامکان A4) به صورت یک جزوه منسجم.
- ب - رعایت اصول نگارش و بکار بردن شیوه‌های نظیر : مشخص کردن مواضع هر نکته - مشخص کردن آغاز و پایان هر بیان و نص - شماره‌گذاری هر عنوان و یا مواضع ذیل هر عنوان - ذکر مرجع و صفحه آن.

ج - تفکیک مطالب بدین شرح

- ۱ - در هر زمینه عنوان اصلی مشخص باشد.
- ۲ - نصوص مربوط به هر عنوان بطور کامل ذکر شده باشد.
- ۳ - توجه به ارتباط حقیقی بین مواضع مقایسه‌ای شده باشد.
- ۴ - تعداد عناوین (۲۰ - ۱۵) مورد باشد و ذیل هر کدام (۲ - ۳) نص مرقوم گردد.
- ۵ - انتخاب عناوین بدیع

در مورد حد تکالیف

مطالعه آثار ۱	۱۵ عنوان و ۲ نص ذیل هر عنوان
مطالعه آثار ۲	۱۵ عنوان و ۲ نص ذیل هر عنوان
مطالعه آثار ۳	۲۰ عنوان و ۳ نص ذیل هر عنوان
مطالعه آثار ۴	۲۰ عنوان و ۳ نص ذیل هر عنوان
مطالعه آثار ۵	حفظ آیات مندرج در جزوه (تکالیف دیگر حذف گردیده)
مطالعه آثار ۶	حفظ ۴ آیه قرآنی کتاب مستطاب ایقان به اضافه دو بیان عربی اول هر باب
مطالعه آثار ۷	پاسخ به سوالات معهد اعلی بصورت یک مقاله تحلیلی براساس استنباط شخصی و استناد به نصوص مبارکه حداقل در ۴ صفحه

بدیهی است نمره تکلیف به موارد تعیین شده تعلق خواهد گرفت.

The Revelation of Baha'u'llah

Adib Taherzadeh

مأخذ ترجمه

نویسنده

شان نزول

در بین کتبه آثار منزله از قلم اعلی در مقام ثانی بعد از کتاب مستطاب اقدس، کتاب ایقان مبارک واقع و از اهمیت خاصی برخوردار است. این سفر جلیلی در بغداد و دو سال قبل از اظهار امر حضرت بهاء الله بافتخار حاجی میرزا سید محمد خال حضرت اعلی عز نزول یافت. حضرت اعلی سیه دانی داشتند. اولین آنها که اقبال به امر حضرت باب نبود جناب حاجی میرزا سید علی ملقب به خال اعظم بودند. همان وجود بزرگواری که بعد از صعود پدر حضرت اعلی متکفل مراقبت و پرورش حضرت گردید.

جناب حاجی میرزا سید علی از همان اوان طفولیت خواهرزاده خود متوجه مقام روحانی و قدرت مافوق بشری مودعه در وجود مبارک گردید. بمحض ادعای حضرت اعلی با عرفان به مقام حضرت باب در زمره یکی از مؤمنین شیدائی حضرتشان درآمد و در حقیقت اول کسی بود که بعد از حروف حی در شیراز امر الهی را اقبال کرد. و به حضرت اعلی ایمان آورد و پیام ایشان را من عند الله دانسته و از آن به بعد حیات خود را تماماً وقف ترویج امر جدید و صیانت و حراست شارع جوان آن نمود. خال اعظم چند ماه قبل از شهادت حضرت باب گرفتار و چون حاضر به انکار نکشت در ملاء عام بیه شهادت نائز گشت، ایشان جزو یکی از شهدای سمعه طهران بشمار می روند.

خال اکبر جناب میرزا سید محمد گرچه کاملاً آگاه از سنوحت ممتازه رحمانیه خواهرزاده خبیود بودند ولی تا قبل از فوز به لقاء حضرت بهاء الله در بغداد و دریافت کتاب مستطاب ایقان که در پاسخ به سوالات ایشان عز نزول یافت مؤمن نشدند و خال سوم جناب حاجی میرزا حسن علی بود. جناب حاجی میرزا سید محمد با برادرشان حاجی میرزا سید علی و خواهرزاده شان حضرت باب چند سال در بوشهر به تجارت اشتغال داشتند. وقتی که جناب حاجی میرزا سید علی و حضرت اعلی به شیراز مراجعت نمودند، حاجی میرزا سید محمد شخصاً به تجارت در بوشهر ادامه دادند و هنوز در بوشهر بودند که حضرت اعلی به اولی من آمن خود اظهار امر فرمودند. حضرت اعلی بعداً که از راه بوشهر به مکه معظمه مسافرت نمودند در بوشهر در منزل خال حاجی میرزا سید محمد توقف فرمودند و چند ماه بعد در مراجعت از مکه به شیراز مجدداً به بوشهر رفتند و در این ملاقات بود که حاجی میرزا سید محمد شاهد تفسیر روحی در حضرت باب شده و

در باره آن به مادر و خواهر خود "مادر حضرت باب" نامه ای بدین مضمون نوشتند: "جناب حاجی سلامتی وارد شدند و من از کسب فیض از حضورشان بسیار مسرورم و بنظر من صلاح است که ایشان برای مدت کوتاه در بوشهر توقف فرمایند ولیکن مطمئن باشید بزودی عازم شیراز خواهند گشت. فی الحقیقه وجود فیاض مکریشان سرچشمه سعادت و برکت برای ملاء الانشاء و عالم عقبی است و سبب افتخار همه ما...". معینا علیهم این همه تمجید و تعریف و احترام نسبت به حضرت اعلی سالها به عرفان مقام آن حضرت نائل نگشتند و به امر مبارکش ایمان نیاوردند.

در عین حال شهادت حضرت اعلی و خال اعظم نوراً در سال ۱۸۵۰ میلادی سبب حزن و اندوه بی پایان در جمیع اعضاء آن خاندان جلیل گردید. والده ماجده حضرت اعلی مسما به فاطمه بیگم دیگر قادر به تحمل زندگی در شیراز نشده و در کرپلای معلی قرب مقام حضرت سید الشهدا رحل اقامت افکندند و تا زمان ورود حضرت بهاء الله به عراق بعد از استخلاص مبارک از سجن سیاه چال و تماس با مشارالیها بی به مقام حضرت اعلی نبرد. حضرت بهاء الله بودند که ترتیب ملاقات حاجی سید جنود کرپلای یکی از اجله مؤمنین اولیه و ممتاز حضرت باب در معیت امه موقنه زوجه مخلصه شیخ عبدالمجید شیرازی و مادر حضرت باب را دادند و ایشان را از حقیقت رسالت با جلالت و فخامت پسرشان آگاه ساختند و ایشان روح بدیمی یافتند و عزت و جلال آئین جدید الهی که شارع آن حضرت باب بودند حجاب و نقاب از چشمان مشارالیها برافکند و بعد ها بی به مقام حضرت بهاء الله برد، اقبال به ظهور مبارک نمود و تا آخر حیات ثابت و راسخ در ایمان و ایقان باقی ماند و در کرپلا وفات یافت. کرجه عده ای از اقوام و حرم محترمه حضرت رب اعلی جل اسمه در همان روزهای اولیه اقبال به امر مبارک نمودند و هزاران نفر از پیروان جان خود را در سبیل او فدا کردند معینا حاجی میرزا سید محمد کاملاً متقاعد نشده بود که خواهرزاده اش حضرت باب می تواند همان موعود اسلام باشد. عده ای سعی نمودند که ظنون ایشان را رفع نمایند ولی مساعی آنها بر او فائق نگردید. جناب حاجی میرزا حبیب الله افغان یکی از متولیان بهت مبارک در شیراز از قول والدشان آقا میرزا نورالدین چنین نقل قول می کنند: "یکی از مؤمنین حضرت باب یک سلسله مباحثاتی با حاجی میرزا سید محمد داشتند که بنظر می رسد این مذاکرات نقطه عطفی در حیات روحانی خال حضرت باب بوده است. . . در مراحل اولیه مباحثات حاجی میرزا سید محمد حالت و جنبه منفی بخود گرفته بود و اقامه هرگونه دلیل و برهان را رد می کرد و این وضع تا چند جلسه ادامه داشت تا یک روز که من با حرارت و شوق با اشتیاق زیاد درباره امر مبارک صحبت مجاب آمیز می کردم او بطرف من برگشت و با تعجب بانگ برآورد واقعا" تومی خواهسی بگوئی که خواهرزاده من قائم موعود است؟ و قتیکه من دوباره اعتقاد خودم را تایید و تاکید کردم که بلی او قائم موعود است حاجی خیلی مظطرب و پریشان گشته و اظهار داشتند خیلی عجیب است

آنوقت غرق در افکار شدند . با دیدن این حالت و بازتاب فکروانه او من نتوانستم از خنده خود -
داری کنم وقتی از علت خنده استفسار نمود از گفتن خودداری کردم که مبادا ذکرش اثر سوئی
داشته باشد ولی چون اصرار نمودند به ایشان گفتم این نظر شما که خواهرزاده شما نمی توانست
قائم موعود باشند مثل مخالفت ابولهب (۱) است ایشان هم گفتند چگونه ممکن است خواهرزاده من
پیغمبر باشد ولی حضرت محمد پیغمبر راستین خدا بود و من گفتم حال برعهده شماست که درباره
این امر تحقیق کنید . شما باید خیلی متفکر و سرافراز باشید که این شمس حقیقت از عائله جلیله
شما طالع و نورش از بیت شما ساطع گشته از آن رو برمگردان متحیر مباش چون که خداوند قادر است
که خواهرزاده شما را موعود اسلام نماید مطمئن باشید که بدالله غیر مغلوله ، دست خداوند
هیچوقت بسته نیست .

حاجی میرزا سید محمد از این کلمات به هیجان آمد و گفت این جوابی مالا ید حی و انکار -
نایدیر است . حالتکلیف من چیست ؟ من به ایشان پیشنهاد کردم به عزم زیارت عتبات مقدسه
واقع در کربلا ، کاظمین و سامره که مراقد منوره ائمه اطهار منجمله حضرت امام حسین در آنجاست
سفری به عراق نمایند و در کربلا شقیقه رشیده خود (مادر حضرت باب) را که از زمان شهادت پسرش^ن
در آنجا زندگی می کرد ملاقات نماید سپس عازم گردد و به حضور حضرت بهاء الله مشرف شود و سوالات
را از حضرتشان استفسار نماید و مشکلاتش را مطرح و بیان نماید و اصرار نمودم که به خداوند اعتماد
داشته و به تحقیقات خود مداومت دهد و اظهار امیدواری نمودم خجباتی که مانع دیدن حقیقت
است از جلو چشمان او بکنار رود و با بیان واقعی الهی فائز و نائل گردد . . . او با پیشنهاد من
موافقت کرد و گفت راه صحیح همان است و احساس قلبی او هم همان .

لذا حاجی میرزا سید محمد نامه ای به کوچکترین برادر خود حاجی میرزا حسنعلی که در
یزد به تجارت اشتغال داشت نوشت و او را از نقشه های خود که زیارت عتبات عالیات و دیدار
از خواهرشان بود آگاه ساخت و او را دعوت به همراهی در این سفر مهمون اثر نمود . حاجی میرزا
حسنعلی این دعوت را پذیرفت و از برادرش خواست که منتظر بماند تا در شیراز مینوطراز به ایشان
ملحق شود . . . هر دو از راه بوشهر عازم عراق شدند . حاجی میرزا سید محمد برادرش را از منظور
اصلی مسافرت خویش آگاه ساخت تا اینکه به بغداد وارد شدند . در آنجا بود که با اطلاع برادرشان
رساند که منظور اولیه از مسافرت به عراق تحقیق درباره صحت و حقانیت امر حضرت باب بود و در
مرتبته ثانی زیارت عتبات عالیات و ملاقات مادر حضرت باب و از برادر خود خواست که برای مدت کوتاه
در بغداد بماند تا هر دو بتوانند بحضور حضرت بهاء الله مشرف گردند و بعد عازم زیارت عتبات
شوند . با شنیدن این مطلب حاجی میرزا حسنعلی عصبانی شده و اگرچه برادر جوانتر بود با
۱- عم پیغمبر که مخالفت و عداوت شدید با ایشان داشتند .

ایشان بتندی صحبت کرده و به او اخطار نمود که در تحت هیچ شرائطی با او در این امور شرکت نخواهد کرد و نمی خواهد چیزی درباره امر از او بشنود و در همان روز بغداد را ترك کرد . وقتی چنین شد حاجی میرزا سید محمد مصمم کردید که با برادرش عازم زیارت عتبات شود و در مراجعت به بغداد بود که او بتنهائی در سال ۱۲۷۸ هجری قمری مطابق ۱۸۶۲ میلادی بحضور حضرت بهاء الله مشرف شد .

کاتب حضرت بهاء الله میرزا آقا جان در لوحی که خطاب به شیخ عبدالمجید شیرازی بود شأن نزول کتاب مستطاب ایقان را چنین بیان میدارند : " يك روز حاجی سید جواد کربلائی بحضور حضرت بهاء الله مشرف شده و اظهار میدارند که دو دائی حضرت اعلی که اماکن مقدسه در نجف و کربلا زیارت کرده اند حالیه در بغداد هستند و بزودی مراجعت به ایران خواهند نمود . با اطمینان به اینکه حاجی سید جواد با آنها درباره امر صحبتی نکرده حضرت بهاء الله مشفقانه از ایشان خواستند که وارد تبلیغ امر با آنها نشده و دو برادر را بحضور مبارك بیاورد .

روز بعد حاجی سید جواد با خال حضرت باب حاجی میرزا سید محمد به حضور مشرف شدند و برادر جوانتر نیامد . بیانات در ریات مبارك با ایجاد اثرات عمیق معنوی خال حضرت باب راستغرق افکار نمود و بالاخره از حضرت بهاء الله رجا نمود که حقیقت رسالت حضرت باب را برای ایشان روشن سازند و بنظرشان در رابطه بعضی از احادیث اسلامی علائم راجع به قائم موعود ظاهر را " بوسیله خواهرزاده او تحقق نیافته . این خواهش ایشان را فی الفور هیچک مبارك اجابت نمودند و دستور فرمودند که بمنزل رفته و با دقت کامل تمام سوالات خودشان را که بشکل معما درآمده و صورت احادیثی را که بنظرشان موجب شك و تردید است تهیه نموده و بحضور بیاورد . روز بعد حاجی میرزا سید محمد با سوالات خود بحضور مشرف شد و در مدت دو شبانه روز کتاب مستطاب ایقان که رساله مفصلی متجاوز از دو پست صفحه است در پاسخ سوالات ایشان از قلم اعلی نازل شد و در اوائل امر این کتاب بنام رساله خال مشهور بود ولی بعداً " حضرت بهاء الله آنرا بنام کتاب ایقان موسوم فرمودند .

در بین اوراق نگهداری شده و محفوظ در خانواده اقنان سوالات حاجی میرزا سید محمد که بحضور مبارك تقدیم شده موجود است که تحت چهار عنوان در دو صفحه بخط خودشان مرقوم گشته و همه مربوط است به ظهور قائم موعود . صداقت و خلوص و صفای خال حضرت باب در تحسری حقیقت از سوالاتش ظاهر و باهر و هویدا است . مکرر از حضرت بهاء الله درخواست می نماید که ظنون ایشان را زائل فرمایند تا اطمینان قلب حاصل نموده و اطمینان و ایقان کامل به امر حضرت باب حاصل نمایند . حاجی میرزا سید محمد چنان تحت تأثیر این ملاقات قرار گرفت که بلافاصله نامه ای به پسر خود حاجی میرزا محمد تقی نوشت و در آن مذکور داشت :

... من بحضور حضرت بهاء سلام الله علیه مشرف شدم و آرزو میکنم که شما هم حضور داشته باشید .
ایشان با نهایت لطف و محبت و مودت بامن رفتار فرمودند و در نهایت عنایت و مرحمت از من خواستند
که شب را میهمان ایشان باشم فی الحقیقه که دوری از حضور بامکرمت مبارکشان فقدان عظیمی است
انشاء الله خداوند مرا به فوی لقا آن مالک انام مدام فائز فرماید .

کتاب مستطاب ایقان هرگونه شکی را که حاجی میرزا سید محمد در سرداشت زائل ساخت
و در نتیجه مطالعه این کتاب ایشان به مرحله ایقان واصل و پی به مقام حضرت باب برد و در وصیت
نامه مشارالیه که چند سال بعد مرقوم گشته ایمان خود را اظهار و حقانیت رسالت حضرت بساب
و حضرت بهاء الله را اعلام و خود را مؤمن به این دو ظهور الهی معرفی می نماید .

اما حاجی میرزا سید حسنعلی جوانترین خال حضرت باب بدون ملاقات حضرت بهاء الله
به یزد مراجعت نمود معینا پس از چند سال در اثر مساعی جمیله اخوی زوجه خود بشرف ایمان
فائز گشته و تا آخر حیاتش مستقیم بر امر مبارک بماند .

در حقیقت تمام عائله مبارکه حضرت باب شامل ام - حرم و دایه ها و اولاد آنها که افنان نامیده
شدند همه به امر الله اقبال نمودند و این امر بوسیله حضرت رب اعلی نبوت شده بود چون فرموده
بودند خداوند به فضل و جود خود تمام خاندان آن حضرت را هدایت خواهد نمود تا به عرفان
حقیقت امر مبارک فائز گردند .

نسخه اصلی کتاب مستطاب ایقان که حاجی میرزا سید محمد دریافت کردند بقلم مبارک و منیر
حضرت عبدالبهاء تحریر یافته است که در آن زمان هیجده سال داشتند و در حواشی چند صفحه
از کتاب حضرت بهاء الله بخط مبارک اصلاحاتی انجام داده اند و در آخر کتاب این بیان اجلیسی
از قلم اعلی نازل شده است ، قوله الجلیل : " و این عید در کمال رضا جان برکف حاضرم که
شاید از عنایت الهی و فضل سبحانی این حرف مذکور مشهور در سبیل نقطه و کلمه علیا فدا شود
و جان در یازد و اگر این خیال نبود فوالذی نطق الروح بامرہ آنی در این بلد توقف نمی نمودم
و کنی بالله شهیدا " (ص ۲۱۲)

برای سالها این نسخه اصل کتاب ایقان در تملک خانواده حاجی میرزا سید محمد بود تا
اینکه در سال ۱۹۴۸ میلادی مطابق ۱۳۲۷ شمسی نتیجه دختری ایشان ورقه زکّیه فاطمه خانم
افنان آن را حضور مبارک حضرت شوقی افندی ولی محبوب امرالله تقدیم نمودند و این کتاب مستطاب
بعد از چند سال بدست مبارک واصل و در دارالانوار بین المللی واقع در جبل کرمل در حیفا تمکن
یافت . *

* شرح این رویداد قرح انگیز در کتاب خاطرات شهوانگیز ایادی امرالله جناب دکتر یو کوجیاگری از
حضرت شوقی افندی ترجمه حسن محبوبی مندرج است .

شاید بتوان گفت که کتاب مستطاب ایقان خیلی بیشتر از سایر آثار مبارکه منزله از قلم اعلیٰ در بین پیروان اولیه این آئین مبین در ایران زمین انتشار یافته بود و در آن ایام تنها وسیله توزیع آثار مبارکه در بین احباء استنساخ آنها بود و بمحض وصول لوح مبارک جدید، مؤمنین بینهایت مشتاق بودند که سوادى از آن برای خود تهیه نمایند و تعدادى از نسخ این السواح اغلب در مجموعه ای بشکل يك جلد کتاب درمى آمد. مجلدات زیادى از اینگونه مجموعه های الوواح خطى شامل توفیقات منیعہ حضرت اعلیٰ و الوواح مبارکه حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء در تملک خانواده های بهائى است که از اجداد و نیاکان خود به ارث برده اند و خیلی برایشان ذیقیمت است.

افرادى نیز در ایران بودند که کار تمام وقتشان استنساخ آثار مبارکه بود و مؤمنین معمولاً نسخه های مورد نیاز خود را از آنها دریافت مى کردند و کتاب مستطاب ایقان از جمله کتابهائى بود که این کتاب را بمنظور تأمین خواستها و پاسخدهائى به متقاضیان همواره مشغول مى داشت. از نظر ادبى کتاب مستطاب ایقان يك اثر برجسته و نفیسی در ادبیات فارسى است. حضرت شوقى افندى ولى امر محبوب این کتاب را بنحو عالی و شیوا به انگلیسى ترجمه فرموده اند و در آن چنین مى نگارند: "کتاب مستطاب ایقان اقدم گنجینه ثمینه در بین آثار منزله از بحر مواج ظهور حضرت بهاءالله است. . . این منشور جلیل نمونه کامل از منشآت نثر پارسی است دارای سبکى بدیع و لحنى ادیبانه و بنحو شایان واضح و مبرهن و مهیمن و منبع و از لحاظ استحکام بیان و قوت و برهان بهنظیر و مقنع و در فصاحت و بلاغت بیعدیل و مثیل و کاشف نقشه عظیمه الهیه جهت نجات عالم بشریه است و در بین آثار بهیه و صحف قیمه بهائى پس از کتاب مقدس اقدس اعظم و اشرف از کل محسوب است." (۱)

تا زمانى که کتاب مستطاب ایقان نازل نشده بود اهمیت رسالت ^① جمیع پیامبران الهى و منظور از ظهور آن مظاهر مقدسه و مفاهیم ^② کلمات عالیات شان نامکشوف و مختوم مانده بود. بانزول ایقان مبارک معانى این کلمات در بابى که طبق بیان حضرت دانیال "لان الکلمات مخفیة و مختومه الی وقت النهایه" مکشوف گردید و در آخر الزمان به مشیت رحمان از کتب مقدسه جمیع ادیان که برای هزاران سال مهور بود ختم رحیق مختوم شد.

ایقان مبارک مثل اعلائی است از شیوه تبلیغ امر الهى - حضرت بهاءالله در ابتدا امر بجای بیان دلائل حقاقت رسالت حضرت باب از پیامبران دیگر صحبت مى فرمایند. زندگى و مشقات و آلام آنها را مصور مى سازند و حقیقت رسالت آنها را مدلل و ثابت مى نمایند و وجوه مشترک ادیان را بیان

می فرمایند و بدین طریق حقانیت دین خواننده را به خود او می فهماند و او را بشناخت واقعی رسالت پیامبرش قادر می سازد - آنوقت با ایجاد چنین اساس محکم و متینی در آخر کتاب از حضرت باب و رسالت مبارکش صحبت می فرمایند و موازینی را که در اثبات حقانیت پیامبران دیگر بهمان فرموده اند در این ظهور بدیع الهی تنفیذ می فرمایند . از آنجائی که اختیارات و اقتدارات مظاهر مقدسه الهی از منبع واحدی نشأت می گیرند لذا عرفان آخرین مظهر ظهور برای نفسی که از خصائل و سجایای ظهور عصر قبل آگاهی داشته امکان پذیر می شود .

پیروان ادیان جهان چنین آموخته اند که فقط به يك پیامبر ایمان داشته باشند و در حالیکه صادقانه وفادار به عقیده خود هستند و دینشان را حقیقی و الهی می دانند ولی غالباً بی به حقیقت واقعی پیامبران نبرده اند . تفاوت فاحشی است بین شناخت يك دین و بی بردن به حقیقت واقعی شارع آن دین . برای مثال ممکن است شخصی يك سگه طلا داشته باشد و بداند که با ارزش است ولی قادر به تمیز دادن زر از نحاس اصغر نباشد چنین شخصی در مواجهه با يك قطعه زر دیگر از شناخت آن عاجز خواهد بود .

الهیوم وضع بشر چنین است ولی کسی که به حقیقت واقعی شارع دین خود پی برود مشکلی در قبول حضرت بهاء الله بعنوان ظهور کلی الهی این عصر فرخنده نخواهد داشت .

ایقان مبارک جم غفیری از مردمان را از اقوام و نژادهای مختلفه قادر به درک حقانیت دین خودشان نموده که قدم اول در شناخت حضرت بهاء الله است . این کتاب اشراق عظیمی به کتب مقدسه ادوار ماضیه و اعصار گذشته افکنده و الگو و معنای این ظهور مترقی را آشکار و نمودار ساخته است . این کتاب برای اتحاد غائی مذاهب گذشته اساس ریزی ایجاد کرده و بمنزله مفتاح نجاح و فلاحی است که پیروان حضرت بهاء الله با آن ابواب دانش بشری را که تاکنون ناشناخته مانده بروی بشر باز کرده اند و سرچشمه الهامی است برای فضلا و دانشمندان و مبلغین بهائی که مجلّات و کتابهای در اثبات حقانیت رسالت حضرت بهاء الله با ارائه دلائل عقلی و منطقی و ترجمه کتب مقدسه و زیر قیّمه نوشته اند . در حقیقت این کتاب دید جدیدی به بهائیان داده است که قادر به کشف اسرار و رموزات دین شده و با بصیرت و بینش و دانش بیشتر به تبلیغ آئین مبین خویش پردازند .

مواضع اصلی کتاب ایقان " قسمت اول "

اولین چیزی که هنگام مطالعه این سفر جلیل باید مدنظر باشد حقیقتی است که حضرت بهاء الله این کتاب را برای فردی مرقوم فرموده اند که پشت در پشت مسلمان بوده و مطالب بهمان شده اغلب از قرآن و احادیث اسلامی است . در سرآغاز این کتاب حضرت بهاء الله شناخت حقیقت را مشروط به انقطاع از این دنیا دانسته اند و این نکته ای است که در تمام کتاب مورد تاکید است ،

قوله الاعلى : " . . . ان العباد لن يصلوا الى شاطئ بحر العرفان الا بالا نقطاع الصّرف
 عن كل من في السموات والارض قدّسوا انفسكم يا اهل الارض لعل تصلن الى المقام الذي قدّر
 الله لكم وتدخلن في سرادق جعله الله في سماء البیان مرفوعاً جوهر این باب آنکه سالکین
 سبیل ایمان و طالبین کأوس ایقان باید نفوس خود را از جمیع شئون عارضیه پاک و مقدس نمایند
 یعنی کوش را از استماع اقوال و قلب را از غنونات متعلقه به سبحات جلال و روح را از تعلق به
 اسباب ظاهره و چشم را از ملاحظه کلمات فانیه و متوکّلین علی الله و متوسّلین الیه سالک شوند
 تا آنکه قابل تجلیات اشراقات شمس علم و عرفان الهی و محل ظهورات فیوضات غیب نامتناهی
 گردند " (۲۷)

دلائل مخالفت انسان با پیامبران الهی

در قسمت اول کتاب مستطاب ایقان حضرت بهاء الله به تفصیل تاریخ انبیاء سلف پرداخته
 و دلائل مخالفت مردم را با آن هیاکل قدسیه بیان می فرمایند با درک این ادله شخص می تواند
 به عرفان امر الهی در این روز فیروز رهنمون گردد . آن وجود مبارک چنان اهمیتی
 برای این موضوع قائلند که قسمت اعظم کتاب را به آن مخصّص می فرمایند .

بعد از بیان مراتب برخی ظلم و ایذا و اهانت و استهزاء که به بعضی از پیامبران وارد شده
 حضرت بهاء الله چنین می فرمایند ، قوله الجمیل : " حال قدری در این امورات تأمل فرمائید
 که چه سبب اینگونه اختلافات بوده که هر ظهور حقی که در امکان از افق لامکان ظاهر می شد
 اینگونه فساد و اغتشاش و ظلم و انقلاب در اطراف عالم ظاهر و هویدا می گشت با اینکه جمیع انبیاء
 درحین ظهور خود مردم را بشارت می دادند به نهی بعد و علامتی از برای ظهور بعد ذکر
 می فرمودند چنانچه در همه کتب مسطور است با وجود طلب و انتظار ناس به مظاهر قدسیه و ذکر
 علامات در کتب چرا باید اینگونه امور در عالم رود که جمیع انبیاء و اصفیاء را در هر عهد و عصر
 اینگونه ظلم و زجر و تعدی نمایند . "

حضرت بهاء الله دلائل متعددی برای اعتراضی ناس از مظاهر الهیه می شمارند که اولین آنها
اطاعت کورکورانه انبوه مردم از پیشوایان مذهبی است که اغلب با پیامبر جدید الهی به مخالفت
 برخاسته اند . حضرت بهاء الله درباره رهبران دینی چنین می فرمایند ، قوله العزیز :

" در همه اوقات سبب صدّ عباد و منع ایشان از شاطئ بحر احد به علمای عصر بوده اند که زمام
 آن مردم در کف کفایت ایشان بود و ایشان هم بعضی نظریه حب ریاست و بعضی از علوم علم و
 معرفت ناس را منع می نمودند چنانچه همه انبیاء به اذن و اجازه علمای عصر سلسبیل شهادت را
 نوشیدند و باعلسی افق عزت پرواز نمودند چه ظلمها که از رؤسای عهد و علمای عصر بر سلاطین

وجود و جواهر مقصود وارد شد و به این ایام محدود و فانیه قانع شدند و از ملك لا یفنی باز -
مانندند .

در صفحات بعد حضرت بنها^۱ الله علماء را برای جهالت و غیابت و عدم بصیرتشان مورد سرزنش
قرار می دهند ، قوله المتین : " و از جمله سبحات مجلله علمای عصر و فقهای زمان ظهورند
که جمیع نظر به عدم ادراک و اشتغال و حب ریاست ظاهره تسلیم امر الله نمی نمایند بلکه گوش نمی-
دهند تا نغمه الهی را بشنوند بل بجعلون اصابعهم فی آذانهم و عباد هم چون ایشان را من
دون الله ولی خود اخذ نموده اند منتظر رد و قبول آن خشبهای مسنده هستند زیرا از خود
بصیر و سمع و قلبی ندارند که تمیز و تفصیل دهند میانه حق و باطل "

علت دیگر مخالفت مردم در قبول پیامبر جدید^۲ آوردن احکام جدید و نسخ قوانین گذشته
است و استقرار نظم بدیع . این تغییرات اساسی سبب اضطراب روحانیون می شود و آن را مخالفت
حاکمیت و اقتدار خودشان دیده و بانهایت قدرت به مخالفت بر می خیزند .
دلیل دیگر عدم قبول پیامبر جدید^۳ این است که در هر ظهوری علائم و نشانه های بخصوصی
برای ظهور بعد الهی داده شده و مردم منتظر تحقق یافتن ظاهری آن علائم هستند و عاجز
از فهم معنای حقیقی آن اشارات لذا از شناخت پیام الهی بازمی مانند .

علائم رجعت حضرت مسیح

برای روشن ساختن این مطلب در تفسیر يك صفحه از انجیل^(۱) که مربوط است به علائم رجعت
مسیح صبیح هفتاد صفحه از قلم مبارك نازل شده و در انجام این امر مبرم به موضوعات دیگری هم
اشاره فرموده اند . درباره علائم رجعت حضرت مسیح چنین میفرمایند ، قوله الاجلی :

" و بعد اصحاب و تلامیذ آن حضرت استدعا نمودند که علامت رجعت و ظهور چیست و چه وقت
این ظاهر خواهد شد و در چند مقام این سوال را از آن طلعت بمیثال نمودند و آن حضرت در
هر مقام علامتی ذکر فرمودند چنانچه در اناجیل اربعه مسطور است و این مظلوم يك فقره آن را
ذکر می نمایم و نعمتهای مکنونه سدره مخزوننه را لوجه الله بر عباد الله میزول می دارم تا هیاکسل
فانیه از اثمار باقیه محروم نمانند که شاید بر شحی از انهار بیزوال حضرت ذی الجلال که در دار-
السلام بغداد جاری شده فائز شوند بی آنکه اجر و مزدی طلب نمایم . . . "

" . . . و این است نعمات عیسی بن مریم که در رضوان انجیل بالحن جلیل در علائم ظهور بعسد
فرموده و در سفر اول که منسوب به متی است در وقتیکه سوال نمودند از علامات ظهور بعد جواب
فرمود وللوقت من بعد ضیق تلك الايام تظلم الشمس والقمر لا يعطی ضوءه و الكواكب تتساقط من
السماء وقواه الارض ترتج حينئذ یظهر علامات ابن الانسان فی السماء وینوح کل قبائل الارض و

۱- انجیل متی فصل ۲۴ آیات ۲۹ تا ۳۰

میرون این انسان آتیا علی سحاب السماء مع قواه و مجد کبیر و برسل ملائکته مع صوت السافور العظیم انتهى . ترجمه آن به فارسی این است که بعد از تنگی و ابتلا که همه مردم را احاطه می نماید شمس از افاضه ممنوع می شود یعنی تاریک می گردد و قمر از اعطای نور باز می ماند و ستاره های سما بر ارض نازل می شوند و ارکان ارض متزلزل می شود در اینوقت ظاهر می گردد نشانه های پسرانسان در آسمان یعنی جمال موعود و سازج وجود بعد از ظهور این علامات از عرصه غیب به عالم شهود و می آید و می فرماید در آن حین جمیع قبیله ها که در ارض ساکنند نوحه و ندبه می نمایند و می بینند خلائق آن جمال احدیه را که می آید از آسمان در حالتیکه سوار بر ابر است با قوت و بزرگی و بخششی بزرگ و می فرستد ملائکه های خود را با صدای سافور عظیم . . . و علمای انجیل چون عارف بمعنای این بیانات و مقصود موعده در این کلمات نشدند و بظاهر آن متمسک شدند لهذا از شریعه فیض محمدیه و از سحاب فضل احمدیه ممنوع گشتند .

تفسیر بیانات رمزی

سپس حضرت بهاء الله معانی این کلمات را چنین بیان می فرمایند ، قوله جلّ و عزّ :
 " قوله من بعد ضیق تلك الايام یعنی وقتیکه ناس در سختی و تنگی مبتلا شوند و این در وقتی است که آثار شمس حقیقت و اثمار سدره علم و حکمت از میان مردم زایل شود و زمام ناس بدست جهالی افتد و ابواب توحید و معرفت که مقصود اصلی از خلق انسانی است مسدود شود و علم به ظن تبدیل گردد و هدایت به شقاوت راجع شود چنانچه الیوم مشاهده می شود که زمام هر گروهی بدست جاهلی افتاده و بهر نحو که اراده کنند حرکت می دهند و در میان ایشان از معبود جزاسمی و از مقصود جز حرفی نماند . . . زیرا که صبح ظهور هدایت بعد از لیل ضلالت طالع می شود " (ص ۲۵ و ۲۴)
 راجع به شمس و قمر حضرت بهاء الله می فرمایند : " مقصود از شمس و قمر که در کلمات انبیا مذکور است منحصر باین شمس و قمر ظاهری نیست که ملاحظه می شود بلکه از شمس و قمر معانی بسیار اراده فرموده اند که در هر مقام بمناسبت آن مقام معنی اراده می فرمایند مثلا " یک معنی از شمس شمسهای حقیقتند که از مشرق قدم طالع می شوند و بر جمیع ممکنات ابلاغ فیض می فرمایند و این شمس حقیقت مظاهر کلیه الهی هستند در عالم صفات و اسمای او و همچنانکه شمس ظاهری تربیت اشیای ظاهره از اثمار و اشجار و الوان و فواکه و معادن و دون ذلك از آنچه در عالم ملك مشهود است به امر معبود حقیقی باعانت اوست - همچنین اشجار توحید و اثمار تفرید و اوراق تجرید و گلهای علم و ایقان و ریاحین حکمت و بیان از عنایت و تربیت شمسهای معنوی ظاهر می شود اینست که در حین اشراق این شمس عالم جدید می شود و انهار حیوان جاری می گردد و ابحر احسان بموج می آید و سحاب فضل مرتفع می شود و نسفات جود بر همیاکل موجودات می وزد و از حرارت این شمسهای الهی و نارهای معنویست که حرارت محبت الهی در ارکان عالم احداث می شود "

" در مقام دیگر مقصود از شمس و قمر و نجوم علمای ظهور قبلند که در زمان ظهور بعد موجودند و زمام دین مردم در دست ایشان است و اگر در ظهور شمس آخری بضای او منور گشته لهذا مقبول و منور و روشن خواهند بود و الا حکم ظلمت در حق آنها جاری است اگر چه بظواهر هادی باشند زیرا که جمیع این مراتب از کفر و ایمان و هدایت و ضلالت و سعادت و شقاوت و نور و ظلمت منوط به تصدیق آن شمس معنوی الهی است بر هر نفسی از علما حکم ایمان از مبدأ عرفان در بوم تغابن و احسان جاری شد حکم علم و رضا و نور و ایمان درباره او صادق است و الا حکم جهل و نفی و کفر و ظلم در حق او جریان یابد و این بر هر ذی بصری مشهود است که همچنانکه نور ستاره محومی شود نزد اشراق شمس ظاهره همین قسم شمس علم و حکمت و عرفان ظاهره نزد طلوع شمس حقیقت و آفتاب معنوی محو و تاریک می شود " (ص ۳۰ و ۳۱)

" و در مقامی هم مقصود از اطلاقات شمس و قمر و نجوم و علوم و احکام مرتفعه در هر شریعت است مثل صلاه و صوم . . . " (ص ۳۲)

" اینست که مقصود از ذکر تاریکی شمس و قمر و سقوط انجم ضلالت علما و نسخ شدن احکام مرتفعه در شریعت است که مظهر آن ظهور باین تلویحات خبر می دهد و جز ابرار را از این کاس نصیبی نیست و جز اخیار را قسمتی نه " ان الابرار یشریون من کأس^۱ نورا کافورا " و این مسلم است که در هر ظهور بعد شمس علوم و احکام و اوامر و نواهی که در ظهور قبل مرتفع شده و اهل آن عصر در ظل آن شمس و قمر معارف و اوامر منور و مهتدی می شدند تاریک می شود یعنی حکمش و اثرش تمام می گردد " (ص ۳۴ و ۳۵)

درباره علامت ابن الانسان در آسمان حضرت بهاء الله تأکید می فرمایند که این علامت در سما ظاهر و باطن هر دو قبل از ظهور هر نبی ظاهر است نه تنها نجومی در آسمان ظاهر می شود که مبینی بر تولد ظهور جدیدی است بلکه بشری هم می باشد بظهور آن نیر اعظم که مردم عصر بعنوان مثال در زمان حضرت موسی کهنه فرعون را خبر دادند :

" کوکبی در سما طالع شده که دال بر انعقاد نطفه که هلاک تو و قوم تو بر دست اوست و همچنین عالمی پیدا شد که شبها بنی اسرائیل را بشارت و تسلی می فرمود و اطمینان می داد "

" همچنین نزدیک ظهور عیسی شد چند نفر از مجوس که اطلاع یافتند بر ظهور نجم عیسی در سما به اثر آن نجم آمدند تا داخل شدند به شهری که مقرر سلطنت هیروودس بوده و در آن ایام سلطنت آن مالک در قبضه تصرف او بود و کانونا قائلین این هوالموجود ملک الیهود^(۱) لانا قد رأینا نجمه فی المشرق و افنیما لنسجد له و بعد از تفحص معلوم نمودند که در بیت اللحم یهود آن طفل متولد شد این علامت در سما ظاهر و علامت در سما باطنه که سما علم و معانی باشد ظهور

یحیی بن زکریا بود که مردم را بشارت می داد به ظهور آن حضرت

قبل از ظهور حضرت محمد نیز وقایع مشابهی رخ داد. مطالب ذیل بیانات حضرت بهاء الله راجع به مبشرین پیغمبر اسلام است :

" همچنین قبل از ظهور جمال محمدی آثار سما^۱ ظاهره ظاهر شد و آثار باطنه که مردم را در ارض بشارت می دادند به ظهور آن شمس هوته چهار نفر بودند واحداً بعد واحد چنانچه روزه که موسوم به سلمان شد بشرف خدمتشان مشرف بود و زمان وفات هر یک می رسید روزه را نزد دیگری می فرستاد تا نوبت به چهارم رسید و او در حین موت فرمود ای روزه بعد از تکفین و تدفین من برو به حجاز که شمس محمدی اشراق می نماید و بشارت باد ترا به لقای آن حضرت" (ص ۵۴-۵۵)

و در این ظهور بدیع منبع قبل از اظهار امر حضرت بابا این دو علامت ظاهر شد و در این باره حضرت بهاء الله می فرمایند ، قوله الکریم :

" اکثر از منجمان خبر ظهور نجم را در سما^۲ ظاهره دادند و همچنین در ارض هم نورین نیرین احمد و کاظم قدس الله تربتهما " (۱)

در باره " وینوح کل قبائل الارض و یرون ابن الانسان آتیا " علی سحاب السماء مع قواہ و مجد کبیر " حضرت بهاء الله می فرمایند ، قوله النصیح :

" تلویح این بیان این است یعنی در آنوقت نوحه می کنند عباد از جهت فقدان شمس جمال الهی و قمر علم و انجم حکمت لدنی و در آن اثنا مشاهده می شود که آن طلعت موعود و جمال معبود از آسمان نازل می شود در حالتیکه بر ابر سوار است یعنی آن جمال الهی از سموات مشیت ربانی در هیکل بشری ظهور می فرماید و مقصود از سما^۳ نیست مگر جهت علو و سمو که آن محل ظهور آن مشارق قدسیه و مطالع قدمیه است و این کینونات قدیمه اگرچه بحسب ظاهر از بطن امهات ظاهر می شوند ولیکن فی الحقیقه از سموات امر نازلند و اگرچه بر ارض ساکنند ولیکن بر رفرف معانی متکاند و در حینی که میان عباد مشی می نمایند در هواهای قرب طائرند بی حرکت رجل در ارض روح مشی نمایند و بی پر بحجاج احدیه پرواز فرمایند در هر نفسی مشرق و مغرب ابداع را طی فرمایند و در هر آنی ملکوت غیب و شهاده را سیر نمایند . . . " (ص ۵۶ و ۵۵)

و در باره معنای سحاب حضرت بهاء الله می فرمایند ، قوله عز و علا :

" مقصود از ابر آن اموری است که مخالف نفس و هوای ناس است چنانچه ذکر شد در آیه مذکوره افلکما جاءکم رسول بما لا تهوی انفسکم استکبرتم ففریقا " کذبتم و فریقا " تقتلون مثلا " از قبیل تفسیر احکام و تبدیل شرائع و ارتفاع قواعد و رسوم عادیه و تقدم مؤمنین از عوام بر معترضین از علماء و همچنین ظهور آن جمال ازلی بر ^(۴) حد و دات بشریه از اکل و شرب و فقر و غنا و عزت و ذلت و نوم

۱- مقصود از احمد و کاظم ، شیخ احمد احسائی مؤسس مکتب شیخیه است و سید کاظم رشتی جانشین آن مبشر رب العالمین

و یقظه و امثال آن از آن چیزهاییکه مردم را بشبیه میاندازد و منع مینماید همه این حجابات به غمام تعبیر شده " (ص ۶۰۹ و ۶۱۰)

درباره فرستادن ملائک حضرت بهاء الله می فرمایند که اینها نفوس مقدسه هستند ، قوله القوم : " باری چون این وجودات قدسیها از عوارض بشریه پاک و مقدس گشتند و متخلق باخلاق روحانیین و متصف باوصاف مقدسین شدند لهذا اسم ملائکه بر آن نفوس مقدسه اطلاق گشته " (ص ۶۷) طی تفسیر مطالب بالا از انجیل حضرت بهاء الله نکات متعدد دیگری را روشن و مبرهن می فرمایند که سبب کشف معانی کلمات مکنونه انبیا است مضافا از قرآن و احادیث اسلامی نقل می فرمایند و سلسله مطالب وسیعه مجهوله و مختومه ای در ادیان سلف را مکشوف می سازند و دقایق حقایق از قبیل تبدیل ارض و شکافته شدن و انفطار آسمان که اسلام منتظر وقوع آن در آخرالسناعه و یوم القیامت و روز رستاخیز است روزی که می آید از آسمان دخیانی آشکار و می پوشاند مردم را " بعد حضرت بهاء الله می فرمایند قوله الاعظم : " اگر در هر عصری علایم ظهور مطابق آنچه در اخبار است در عالم ظاهر شود دیگر که را برای انکار و اعرای می ماند و چگونه میان سمعی و شقی و مجرم و متقی تفصیل می شود مثلا " انصاف دهید اگر این عبارات که در انجیل مسطور است بر حسب ظاهر ظاهر شود و ملائکه با عیسی بن مریم از سما ظاهر با ابری نازل شوند دیگر که یاری تکذیب دارد و یا که لایق انکار و قابل استکبار باشد بلکه فی النور همماهل ارض را اضطراب بقسمی احاطه می کند که قادر بر حرف و تکلم نیستند تا چه رسد برد و قبول " (ص ۶۷ و ۶۸)

سبب دیگر انکار و مخالفت مردم با پیامبران

دلیل عدم درك معنای علائم مذکوره در کتب مقدسه بوسیله مردم این است که آنها کورکورانه از رهبران مذهبی خود تبعیت کرده اند حضرت بهاء الله در تأیید این موضوع به این کلمات عالیجات ناطقند ، قوله الصریح : " این است که در همه اعهاد و اعصار اینگونه اعتراضات و اختلافات در میان مردم بوده و همیشه ایام مشغول بزخارف قول می شدند که فلان علامت ظاهر نشد و فلان برهان باهر نیامد و این مرضها عارض نمیشد مگر آنکه تمسک بعلمای عصر میجستند در تصدیق و تکذیب این جواهر مجردة و هیاکل الهیه و ایشانهم باستغراق در شئونات نفسیه و اشتغال به امورات دنییه فانیه این شمس باقیه را مخالف علم و ادراک و معارض جهد و اجتهاد خود می دیدند و معانی کلمات الهیه و احادیث و اخبار حروفات احدیه را هم بر سبیل ظاهر با دراک خود معنی و بیان می نمودند لهذا خود و جمیع ناس را از نیمان فضل و رحمت ایزدی مأیوس و مهجور نمودند " (ص ۶۸ و ۶۹) برای درك اسرار مخزونه در دین الهی حضرت بهاء الله مکررا می فرمایند باید نفوس قلب را از جمیع شئونات عرضیه پاک و مقدس نمایند این است يك نیمان مبارك ، قوله جلّ و علا :

"اگر قدری مرآت قلب را از غبار غرض پاک و لطیف فرمائی جمیع تلویحات کلمات کلمه جامعه ربوبیه را در هر ظهوری ادراک می نمائی و بر اسرار علم واقف می شوی ولیکن تا حجابات علمیه را که مصطلح بین عباد است بنار انقطاع نسوزانی به صبح نورانی علم حقیقی فائز نگردی و علم بد و قسم منقسم است علم الهی و علم شیطانی آن از الهامات سلطان حقیقی ظاهر و این از تخیلات انفس ظلمانی باهر و معلم آن حضرت باری و معلم این وساوس نفسانی بیان آن " اتقوا الله يعلمکم الله " و بیان این " العلم حجاب الاکبر " اثمار آن شجر صبر و شوق و عرفان و محبت و اثمار این شجر کبر و غرور و نخوت و از بیانات صاحبان بیان که در معنی علم فرموده اند هیچ راحه این علوم ظلمانی کسه ظلمت آن همه بلاد را فرا گرفته استشمام نمی شود این شجر جز بخی و فحشاء شمری نیابد و جز غل و بغضاً حاصلی نبخشد شمرش سم قاتل است و ظلش نار مهلك " (ص ۵۷ و ۵۸)

عامل مهم دیگری که مردم را از شناسائی مظاهر ربانیه باز میدارد امتحاناتی است که با ظهورات آن طلعات رحمانیه مرتبط است و در هر موردی بعضی وقایع در حیات مظهر ظهور سد سدید ایجاب و آنها را از عرفان حقیقت باز داشته است درباره این موضوع حضرت بهاء الله چنین می فرمایند ، قوله الاسنی : " از جمیع این کلمات مرموزه و اشارات ملغزه که از مصادر امریه ظاهر می شود مقصود امتحان عباد است چنانچه مذکور شد تا معلوم شود اراضی قلوب جیده منبره از اراضی جزره فانیه و همیشه این از سنت الهی در میان عباد بوده چنانچه در کتب مسطور است (ص ۴۱)

حضرت بهاء الله این اصل مهم را با امثله و توضیحات بیشتر و صحبت از حضرت محمد (ص) روشن و مدلل می سازند در حینیکه آن حضرت با متابعین به جانب اورشلیم نماز می گذاشتند در خصوص - تغییر ناکهانی قبله از مسجد اقصی به مکه جمال ابهی می فرمایند ، قوله الاسنی :

" تا آنکه در یومی آن حضرت با جمعی اصحاب به فریضه ظهر مشغول شدند و دو رکعت از نماز بجا آورده بودند که جبرئیل نازل نمود و عرض کرد فویل وجهک شطر المسجد الحرام در اثنای نماز حضرت از بیت المقدس انحراف جسته به کعبه مقابل شدند فی الحین تزلزل و اضطراب در میان اصحاب افتاد بقسمی که جمعی نماز را برهم زده اعراض نمودند این فتنه نبود مگر برای امتحان عباد (ص ۴۲) اینگونه امور که سبب وحشت جمیع نفوس است واقع نمی شود مگر برای آنکه کل به محک امتحان الله در آیند تا صادق و کاذب از هم ممیز و تفصیل یابد " (ص ۴۳)

همچنین بیان دیگری از حضرت بهاء الله در توضیح این موضوع درباره حضرت موسی است که می فرمایند قوله الاوضح : " در اول امر قبل از بعثت روزی در سوق من گذشت و نفرهای یکدیگر معارضه مینمودند یکی از آن دو نفس از موسی استمداد جست آن حضرت او را اعانت نمود مدعی را به قتل رسانید . . . حال تفکر در فتنهای الهی و بدایع امتحانهای او که که نفسی که معروف است به قتل نفس و خود هم اقرار بر ظلم می نماید چنانچه در آیه مذکور است و سی سنه او اقل بر حسب

ظاهر در بیت فرعون تربیت یافته و از طعام و غذای او بزرگ شده یکمرتبه او را از مابین عبود
برگزیده و بامر هدایت کبری مأمور فرمود و حال آنکه آن سلطان مقتدر قادر بر آن بود که موسی
را از قتل ممنوع فرماید تا به این اسم در بین عباد معروف نباشد که سبب وحشت قلب شود و علت
احتراز نفوس گردد. " (ص ۴۷ و ۴۶)

مردم با چنین عوامل مشابهی و قتیکه حضرت مسیح ظاهر شد مورد امتحان قرار گرفتند
اما در آن موقعیت وضع تولد ایشان امتحان بود چنانکه حضرت بهاء الله می فرمایند، قوله الا قدس :
" و همچنین در حالت مریم مشاهده نما که آن طلعت کبری از عظمت امر و تحیر آرزوی عدم فرمود
... تفکر نمائید که مریم چه جواب با مردم می گفت طفلی که پدر او معین نباشد چگونه می توان به
مردم معین نمود که این از روح القدس است این بود که آن مخدّر بقا آن طفل را برداشته به منزل
مراجعت فرمود ... حال ناظر به این فتنه کبری و امتحان اعظم شوید و از همه گذشته همان جوهر
روح که در میان قوم بنسبت بی پدری معروف بوده او را پیغمبری بخشید و حجت خود نمود بر کس
اهل سموات و ارض " (ص ۴۷ و ۴۸)

مواضع اصلی قسمت دوم

ذات الهی و مظاهر سبحانی

حضرت بهاء الله پس از بیان علل احتجاج عباد از عرفان مظاهر الهی قسمت دوم کتاب ایقان را با
فقراتی روشن و واضح راجع به نوع ظهور و ارتباطش به خدا و بشر شروع می فرمایند در کلمات ذیل
با فصاحت تام بیان می فرمایند که بشر خود عاجز از شناخت خالقش است ولی خداوند بر سبیل فضل
و کرم در هر عصری مردم را بوسیله پیغمبری به معرفت خود فائز می فرماید، قوله الاجمل :
" و بر اولی العلم و افئده منیره واضح است که غیب هوّیه و ذات احدیه مقدس از بروز و ظهور و صعود
و نزول و دخول و خروج بوده و متعالیست از وصف هر واصفی و ادراک هر مدرکی لم یزل در ذات
خود غیب بوده و هست و لا یزال به کینونت خود مستور از ابصار و انظار خواهد بود چه میان او و
ممکنات نسبت و ربط و فصل و وصل و یا قرب و بعد و جهت و اشاره بهیچوجه ممکن نه زیرا که جمیع
من فی السموات و الارض بلکمه امر او موجود شدند و باراده او که نفس مشیت است از عدم و نیستی
باحتبات پا بعرضه شهود و هستی قدم گذاشتند ... چنانچه جمیع انبیا و اوصیا و علما و عرفا و حکما
بر عدم بلوغ معرفت آن جوهر الجواهر و بر عجز از عرفان و وصول آن حقیقه الحقائق مفر و مدغشند " (ص ۹۷ و ۹۸)
مقام و ذات مظهر ظهور الهی ارفع و امنع از مقام عالم بشری است در حقیقت تجسم و مطلق
ملکات و صفات الهی و منبع اقتدارات روحانی است که در هر عصر و زمانی بر بشر متجلی می گردد .
همچنانکه خورشید منبع حیات و نیرو برای زمین است لذا مظهر ظهور الهی هم بمثابه شمس عالم
بشری است. زندگی، رشد، ترقی و تعالی بشریت مرهون و مربوط به ظهور این وجودات سماوی

است. حضرت بهاء الله جلالت مقام و شأن مظاهر الهی را چنین تحسین می فرمایند، قوله المنتظم :
 " و چون ابواب عرفان ذات ازل بر وجه ممکنات مسدود شد لهذا باقتضای رحمت واسعة سبقت
 رحمته کل شی و وسعت رحمتی کل شی جواهر قدس نورانی را از عوالم روح روحانی بهیماکل عز
 انسانی در میان خلق ظاهر فرمود تا حکایت نمایند از آن ذات ازلیه و سازج قدمیه و این مرایای
 قدسیه و مطالع هوویه بتمامهم از آن شمس وجود و جوهر مقصود حکایت می نمایند مثلاً " علم ایشان
 از علم او و قدرت ایشان از قدرت او و سلطنت ایشان از سلطنت او و جمال ایشان از جمال او و
 ظهور ایشان از ظهور او و ایشانند مخازن علوم ربانی و مواقع حکمت صمدانی و مظاهر فیض نامتناهی
 و مطالع شمس لایزالی چنانچه می فرماید لا فرق بینک و بینهم الا بانهم عبادک و خلقک و اینست
 مقام انا هو و هو انا " (ص ۸۱۹۸)

همچنین می فرمایند، قوله النافذ : " اکمل انسان و افضل و الطف او مظاهر شمس حقیقتند
 بلکه ماسوای ایشان موجودند باراده ایشان و متحرکنند بافاضه ایشان " لولاک لما خلقت الافلاک "
 بلکه کل در ساحت قدس ایشان معدوم صرف و مفقود بحتند بلکه منزه است ذکر ایشان از ذکر غیر
 و مقدس است وصف ایشان از وصف ماسوی و این هیماکل قدسیه مرایای اولیه ازلیه هستند که حکایت
 نموده اند از غیب الغیوب و از کل اسماء و صفات او از علم و قدرت و سلطنت و عظمت و رحمت و حکمت
 و عزت و جود و کرم و جمیع این صفات از ظهور این جواهر احدیه ظاهر و هویدا است " (ص ۸۴۹۸)
 در قرآن بنظر می رسد که دو فقره بیان متباین هم هستند در یکی از حکم نفس واحد بودن انبیا
 الهی صحبت میکنند و در دیگری از فضیلت بعضی به بعضی دیگر حضرت بهاء الله از یک طرف راجع
 به یگانگی مظاهر الهی و از طرف دیگر از فرق مابین آنها صحبت می فرمایند. درباره توحید آن جوا^{هر}
 تفرید می فرمایند، قوله الاعظم : " و دیگر معلوم آن جناب بوده که حاملان امانت احدیه که در
 عوالم ملکیه بحکم جدید و امر بدیع ظاهر می شوند چون این اطیبار عرش باقی از سما مشیت الهی
 نازل می کردند و جمیع بر امر مبرم ربانی قیام می فرمایند لهذا حکم بکنفس و یک ذات را دارند چه
 جمیع از کاس محبت الهی شارنید و از اثمار شجره توحید مرزوق و این مظاهر حق را در مقام مقرر است
 یکی مقام صرف تجرید و جوهر تفرید و در این مقام اگر کل را بیک اسم و رسم موسوم و موصوف نمائسی
 بأسی نیست چنانچه می فرماید لا نفرق بین احد من رسله زیرا که جمیع مردم را به توحید الهی دعوت
 می فرمایند و به کوشش فیض و فضل نامتناهی بشارت می دهند و کل به خلع نبوت فائزند و برداء مکرمت
 مقترخ اینست که نقطه فرقان می فرماید اما النبیسون فانا و همچنین می فرماید منم آدم اول و نوح
 و موسی و عیسی و همین مضمون را طلعت علوی هم فرموده اند و امثال این بیانات که مشعر بر توحید
 آن مواقع تجرید است از مجاری بیانات ازلیه و مخازن لثالی علمیه ظاهر شده و در کتب مذکور
 کشته و این طلعات مواقع حکم و مطالع امرند و امر مقدس از حجبات کثرت و عوارضات تعدد است
 اینست که می فرماید و اما امرنا الا واحده و چون امر واحد شد البته مظاهر امر هم واحدند و

همچنین ائمه دین و سراجهای یقین فرمودند اولنا محمد و آخرنا محمد و اوسطنا محمد باری معلوم و محقق آن جناب بوده که جمیع انبیاء هیاکل امرالله هستند که در قیامی مختلفه ظاهر شدند و اگر بنظر لطیف ملاحظه فرمائی همه را در یک رضوان ساکن بینی و در یک هوا طائر و بر یک بساط جالس و بر یک کلام ناطق و بر یک امر آمر اینست اتحاد آن جواهر وجود و شمس غیر محدود و معدود پس اگر یکی از این مظاهر قدسیه بفرماید من رجوع کل انبیا هستم صادق است و همچنین ثابت است در هر ظهور بعد صدق رجوع ظهور قبل " (ص ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹)

و راجع به فرق مظاهر الهی حضرت بهاء الله می فرمایند ، قوله المطاع : " در این مقام هر کدام را هیکنی معین و امری مقرر و ظهوری مقدر و حدودی مخصوص است چنانچه هر کدام با سیم موسوم و بویضنی موصوف و با امری بدیع و شرعی جدید مأمورند چنانچه می فرمایند تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض منهم من كلم الله ورفع بعضهم درجات وآتينا عيسى ابن مريم البينات وايدناه بروح القدس نظر باختلاف این مراتب و مقامات است که بیانات و کلمات مختلفه از آن ینابیع علوم سبحانی ظاهر می شود و الا فی الحقیقه نزد عارفین معضلات مسائل الهیه جمیع در حکم یک کلمه مذکور است " (ص ۱۴۷ و ۱۴۸)

چون حقیقت هر مظهر ظهور الهی مثل ظهورات قبل است لذا پیروان آنها هم حکم رجوع اصحاب ظهور اعصار قبل را حائزند و در این رابطه حضرت بهاء الله چنین تمثیل می فرمایند ، قوله الجمیل : " مثلا " اگر شاخسار گلی در مشرق ارض باشد و در مغرب هم از شاخه دیگری آن گل ظاهر شود اطلاق گل بر او می شود دیگر در این مقام نظریه خدودات شاخه و هیئت آن نیست بلکه نظر بر آنچه و عطری است که در هر دو ظاهر است " (ص ۱۳۳)

همچنانکه اشاره گشت مظهر سبحان طبیعت دو گانه بشری و الهی دارد بیان مبارک اینست حقیقت را مبرهن می سازد ، قوله العزیز :

" این است که در مقام توحید و علو تجرید اطلاق ربوبیت و الوهیت و احدیت صرفه و هویت بخته بر آن جواهر وجود شده و می شود زیرا که جمیع بر عرش ظهور الله ساکنند و بر کرسی بطون الله واقف یعنی ظهور الله بظهورشان ظاهر و جمال الله از جمالشان باهر چنانچه نعمات ربوبیه از این هیاکل احدیه ظاهر شد و در مقام ثانی که مقام تمیز و تفصیل و تحدید و اشارات و دلالات ملکوتیه است عبودیت صرفه و فقر بحت و قنای بات از ایشان ظاهر است چنانچه می فرماید انی عبد الله و ما انا الا بشر مثلكم و از این بیانات محققه مثبتة الذراک فرما مسائل خود را که سوال نموده بودی تا در دین الهی راسخ شوی و از اختلافات بیانات انبیا و اصفیاء متزلزل نشوی و اگر شنیده شود از مظاهر جامعه انی انا الله حق است و ربی در آن نیست چنانچه بکرات مبرهن شد که به ظهور و صفات و اسمای ایشان ظهور الله و اسم الله و صفه الله در ارض ظاهر اینست که می فرماید

وما رميت ان يرميتم ولكن الله رمى و همچنين ان الذين يبايعونك انما يبايعون الله و اگر نغمه
 انى رسول الله برآرند اين نيز صحيح است و شكى در آن نه چنانچه مى فرمايد ما كان محمد ابدا
 احد من رجالكم ولكن رسول الله و در اين مقام همه مرسلند از نزد آن سلطان حقيقى و كينونت
 ازلى و اگر جميع ندای انا خاتم النبيين برآرند آنهم حق است و شبهه را راهى نه و سبيلى نه
 زیرا که جميع حکم يك ذات و يك نفس و يك روح و يك جسد و يك امر دارند و همه مظهر بدئيت
 و ختميت و اوليت و آخريت و ظاهریت و باطنیت آن روح الارواح حقيقى و سازج السواج از ليند
 و همچنين اگر بفرمايند نحن عباد الله اين نيز ثابت و ظاهر است چنانچه بظاهر در منتهى رتبه
 عبوديت ظاهر شده اند احدى را يارای آن نه که بآن نحو از عبوديت در امکان ظاهر شود

(ص ۱۴۷ تا ۱۵۰)

سلطنت انبياء

يکى از سوالات حاجى ميرزا سيد محمد از محضر حضرت بهاء الله راجع به ظهور قائم موعود بود
 که طبق احاديث اسلامى بايد با قدرت مطلقه بر مردم حکومت بکند و اين شرايط در حضرت مـ
 يتحقق نپيوسته . حضرت بهاء الله قسمت اعظم کتاب را حضر در پاسخ به سوال ايشان مى فرمايند
 که تمام پيامبران الهى با قدرت و غلبه قاهره و سلطنت ظاهر شده اند ولى اين يك مقام روحانى بود
 نه جسمانى سلطنتشان آسمانى بود و بدین وسيله غلبه خود را بر مردم محقق ساخته اند و در اين
 باره حضرت بهاء الله مى فرمايند ، قوله المتين : وليكن ان نه آن سلطنت و حكومتى است که هر
 نفسى ادراك نمايد و ديگر آنکه جميع انبياء قبل که بشارت داده اند مردم را بظهور بعد همه
 آن مظاهر قبل ذکر سلطنت ظهور بعد را نموده چنانچه در کتب قبل مسطور است و آن تخصیص
 به قائم ندارد و در حق جميع آن مظاهر قبل و بعد حکم سلطنت و جميع صفات و اسما ثابت و محقق
 است زیرا که مظاهر صفات غيبیه و مطالع اسرار الهیه اند چنانچه مذکور شد و ديگر آنکه مقصود
 از سلطنت احاطه و قدرت آن حضرت است بر همه ممکنات خواه در عالم ظاهر با استیلاى ظاهرى
 ظاهر شود يا نشود و اين بسته باراده و مشيت خود آن حضرت است وليکن بر آن جناب معلوم
 بوده که سلطنت و غنا و حیات و موت و حشر و نشر که در کتب قبل مذکور است مقصود اين نيست
 که اليوم اين مردم احصا و ادراك مى نمايند بلکه مراد از سلطنت سلطنتى است که در ايام ظهور
 هر يك از شعوس حقيقت بنفسه لى نفس ظاهر مى شود و آن احاطه باطنیه است که بآن احاطه مى نمايند
 كل من السموات والارض را و بعد به استعداد کون و زمان و خلق در عالم ظاهر بظهور مى آيد

(ص ۸۶ و ۸۷)

در مقایسه غلبه و قدرت خلاقه مظاهر الهى با سلطه زائل شونده سلاطين ارض حضرت بهاء الله
 چنین مى فرمايند ، قوله المصاب :

" حال انصاف دهید که این سلطنت که بیک حرف و بیان این همه تصرف و غلبه و هیمنه داشته باشد اکبر و اعظم است یا سلطنت این سلاطین که بعد از اعانت رعایا و فقرا ایشان را چند صباحی مزد بحسب ظاهر تمکین می نمایند ولیکن به قلب همه معرض و مدبرند و این سلطنت بحرفی عالم را مسخر نموده و حیات بخشیده و وجود افاضه فرموده ما للتراب ورب الارباب چه می توان ذکر نسبت نمود که همه نسبتها منقطع است از ساحت قدس سلطنت او و اگر خوب ملاحظه شود خدام درگاه او سلطنت می نمایند بر همه مخلوقات و موجودات چنانچه ظاهر شده و می شود " (ص ۱۰۲ و ۱۰۳)

مطلب دیگری که حضرت بهاء الله در تفسیر سلطنت و غلبه پیامبران الهی بدان اشاره می فرمایند داستان حضرت مسیح است در زمان اسارت آن جمال موجود در دست یهود ، قوله المحمود : " و دیگر آنکه روزی عیسی بن مریم را یهود احاطه نمودند و خواستند که آن حضرت اقرار فرماید بر اینکه ادعای مسیحی و پیغمبری نمودند تا حکم بر کفر آن حضرت نمایند و حد قتل بر او جاری سازند تا آنکه آن خورشید سما معانی را در مجلس فیلاطس و قیافا که اعظم علمای آن عصر بود حاضر نمودند و جمیع علماء در آن محضر حضور هم رساندند و جمع کثیری برای تماشا و استهزاء و ازیت آن حضرت مجتمع شدند و هرچه از آن حضرت استفسار نمودند که شاید اقرار بشنوند حضرت سکوت فرمودند و هیچ متعرض جواب نشدند تا آنکه ملعونی برخاست و آمد در مقابل آن حضرت و قسم داد آن حضرت را که آیا تو نگفتی که منم مسیح الله منم ملك الملوك و منم صاحب کتاب و منم مخرب یوم سبت آن حضرت رأس مبارک را بلند نموده فرمودند اما تری بان ابن الانسان قد جلس عن یمن القدره والقوه یعنی آیا نمی بینی که پسر انسان جالس بر یمن قدرت و قوت الهی است و حال آنکه بر حسب ظاهر هیچ اسباب قدرت نزد آن حضرت موجود نبود مگر قدرت باطنیه که احاطه نموده بود کل من فی السموات والارض را " (ص ۱۱۱ و ۱۱۲)

در تعریف این سلطنت حضرت بهاء الله به ذکر مشقات و بلیات وارده بر انبیاء و اصفیاء الهی می پردازند و شهادت امام حسین را بیان می فرمایند که چه پرتو جلال و عظمتی بر اسلام افکنده و چه مصائب و زحماتی که بر حضرت محمد در دوران اولیه رسالتش وارد شده می فرمایند که کلمات مظاهر حق روح انسانی را از حقیقت ذلت و ندادنی به مدارج کمال و عظمت جبروت الهی ارتقاء می دهد به نیروی الهام قلب معاندین و اهل احتجاج را منقلب می نماید و از آنها يك ملت واحدی می سازد و در این باره حضرت بهاء الله اشاره می فرمایند به نبوتی مشهور و مذکور در کتاب مقدس ، قوله الا قدس : " دیگر آنکه چقدر از مردم مختلف العقائد و مختلف المذهب و مختلف المزاج که از این نسیم رضوان الهی و بهارستان قدس معنوی قمیص جدید پوشیدند و از کاس تفرید نوشیدند اینست معنی حدیث مشهور که فرموده کرک و میش از يك محل می خورند و می آشامند و حال نظر به عدم معرفت این جهال فرمائید بمثل امم سابقه هنوز منتظرند که کسی این حیوانات بر يك خوان مجتمع می شوند اینست رتبه ناس گویا هرگز از جام انصاف ننوشیده اند

و هرگز در سبیل عدل قدم نگذاشتند از همه گذشته این امر وقوعش چه حسنی در عالم احداث
می نماید فنعم ما نزل فی شأنهم لهم قلوب لا یفقهون بها ولهم اعین لا ینصرون بها" (ص ۹۲)

معنای موت و حیات و رستاخیز

حضرت بهاء الله در تفسیر این عبارت که در کتب مقدسه ادیان سلف بدان اشاره شده مثل
حیات موت قیامت سور اسرافیل نعیم و جحیم چنین می فرمایند ، قوله الکریم :
" و مقصود از موت و حیات که در کتب مذکور است موت و حیات ایمانی است و از عدم ادراک ایمن
معنی است که عامه ناس در هر ظهور اعتراض نمودند و به شمس هدایت مهتدی نشدند و جمال
ازلی را مقتدا نگشتند . " (ص ۹۳)

راجع به روز قیامت می فرمایند قیامت مبین ظهور مظهر الهی است که با ظهورش مؤمنین
از قبور بی ایمانی برمی خیزند و به حیات معنوی فائز می گردند . در این باب آن جمال و هساب
می فرمایند ، قوله المستطاب : " و این مطلب در همه اعصار کهن ظهور مظاهر حق بوده چنانچه
عیسی می فرماید لابد لکم بان تولدوا مره اخری و در مقام دیگر می فرماید من لم یولد من الماء
والروح لا یقدر ان یدخل ملکوت الله المولود من الجسد جسد هو و المولود من الروح هو روح
که ترجمه آن اینست نفسی که زنده نشده است از ماء معرفت الهی و روح قدسی عیسوی قابل ورود
و دخول در ملکوت ربانی نیست زیرا هرچه از جسد ظاهر شد و تولد یافت پس اوست جسد و
متولد شده از روح که نفس عیسوی باشد پس اوست روح خلاصه معنی آنکه هر عبادی که از روح
و نغزه مظاهر قدسیه در هر ظهور متولد و زنده شدند بر آنها حکم حیات و بعثت و ورود در
جنت محبت الهیه می شود و من دون آن حکم غیر آن که موت و غفلت و ورود در نار کفر و غضب
الهی است میشود و در جمیع کتب و الواح و صحائف مردمی که از جامهای لطیف معارف نچشیده
و به فیض روح القدس وقت قلوب ایشان فائز نشده بر آنها حکم موت و نار و عدم بصر و قلب و سماع
شده چنانچه از قبل ذکر شده لهم قلوب لا یفقهون بها و در مقام دیگر در انجیل مسطور است
که روزی یکی از اصحاب عیسی والدش وفات نمود و او خدمت حضرت معروض داشت و اجازه خواست
که برود و او را دفن و کفن نموده راجع شود آن جوهر انقطاع فرمود دع الموتی لید فنوه الموتی
یعنی واگذار مرده ها را تا دفن کنند مرده ها " (ص ۹۷ و ۹۸)

در قرآن اشارات زیادی به روزی شده که انسان به لقاء الله فائز می شود . حضرت بهاء الله
می فرمایند تفسیر این مطلب این است که بشر به لقاء مظهر ظهور فائز می شود . بیان مبارک ،
قوله الاحلی : " و این لقاء میسر نشود برای احدی الا در قیامت که قیام نفس الله است بمظهر

کلیه خود و اینست معنی قیامت که در کل کتب مسطور و مذکور است و جمیع بشارت داده شده اند
 بآن بوم حال ملاحظه فرمائید که آیا بومی از این بوم عزیزتر و بزرگتر و معظم تر تصور می شود که
 انسان چنین روز را از دست بگذارد و از فیوضات این بوم که بمثابه ابر نیسان از قبل رحمن در
 جریان است خود را محروم نماید و بعد از آنکه به تمام دلیل مدلل شد که بومی اعظم از این
 بوم و امری اعز از این امر نه چگونه می شود که انسان بحرف متوهمین و ظانین از چنین فضل
 اکبر مأیوس گردد و بعد از همه این دلائل محکمه متغنه که هیچ عاقلی را گریزی نه و هیچ عارفی
 را مغری نه آیا روایت مشهور را نشنیده اند که می فرماید: انما قام القائم قات القیامه و همچنین
اثمه هدی وانوار لا تطفی هل یظنون الا ان یأتیهم الله فی ظلل من الغمام را که مسلماً
 از امورات محدثه در قیامت می دانند به حضرت قائم و ظهور او تفسیر نموده اند " (ص ۱۱۹ و ۱۲۰)

حجاب علم

در قسمت دوم کتاب ایقان چند فقره اشاراتی فرموده اند که علما و پیشوایان مذهبی باتفاق
 باصطلاح علمی که در نزدشان بود مردم را از اقبال به مظهر ظهور باز داشته اند این بیانات
 شبیه و معادل بیاناتی است که در قسمت اول کتاب مذکور است ولی در این مقام مستقیماً خطاب
 به علمای اسلام است زیرا چنین معلومات مکسبه می تواند پرده حجابی باشد بین بشر و خداوند
 اکبر. در اشاره به این حجاب حضرت بهاء الله می فرمایند، قلنا القویم: العلم حجاب الاکبر
بنار محبت بار سوختیم و خیمه دیگر برافراختیم و باین افتخار می نمائیم که الحمد لله سبحات جلال
را بنار جمال محبوب سوختیم و جز مقصود در قلب و دل جا ندادیم نه بعلمی جز علم با و متمسکیم
و نه بمعلومی جز تجلی انوار او متشیت " (ص ۱۵۷)

عرفان مظهر ظهور الهی منوط به معلومات اکتسابی نیست. حضرت بهاء الله در این باره
 چنین می فرمایند، قوله العزیز: فهم کلمات الهیه و درک بیانات حمایات معنویه هیچ دخلی
بعلم ظاهری ندارد و این منوط به صفای قلب و تزکیه نفس و فراغت روح است چنانچه حال عباد
چند موجودند که حرفی از رسوم علم ندیده اند و هر روف علم جالسند و از سحاب فیض الهی
ریاض قلبشان بگلهای حکمت و لاله های معرفت تزیین یافته فطوبی للمخلصین من انوار بوم
عظیم " (ص ۱۲۷)

متحری حقیقی

حضرت بهاء الله در فصلی از کتاب مستطاب ایقان با بیانی روشن و واضح درباره خصائص
 و صفات متحری حقیقی خطاب به حاجی میرزا سید محمد خال اکبر چنین می فرمایند، قوله
المهمین: ولیکن ای برادر من شخص مجاهد که اراده نمود قدم طلب و سلوک در سبیل

معرفت سلطان قدم گذارد باید در بدایت امر قلب را که محل ظهور و بروز تجلی اسرار غیب
 الهی است از جمیع غبارت تیره علوم اکتسابی و اشارات مظاهر شیطانی پاک و منزه فرماید و صدر
 را که سریر ورود و جلوس محبت محبوب ازلی است لطیف و نظیف نماید و همچنین دل را از علاقه
 آب و گل یعنی از جمیع نقوش شبحیه و صور ظلیه مقدس گرداند بقسمی که آثار حب و بغض در قلب
 نماند که مبادا حب او را بجبهتی بیدلیل میل دهد و یا بغض او را از جبهتی منع نماید چنانچه
 الیوم اکثری به این دو وجه از وجه باقی و حضرت معانی بازمانده اند و بی شبان در صحراهای
 ضلالت و نسیان می چرند و باید در کل حین توکل به حق نماید و از خلق اعراض کند و از عالم
 تراب منقطع شود و بکسند صرب الارباب در بند و نفس خود را بر احدی ترجیح ندهد و افتخار
 و استکبار را از لوح قلب بشوید و به صبر و اضطبار دل بندد و صمت را شعار خود نماید و از تکلم
 بی فائده احتراز کند چه زبان ناری است افسرده و کثرت بهمان سمی است هلاک کننده نار ظاهری
 اجساد را محترق نماید و نار لسان ارواح و افنده را بگدازد اثر آن نار بساعتی فانی شود و اثر
 این نار به قرنی باقی ماند و غیبت را ضلالت شمرد و بان عرصه هرگز قدم نگذارد زیرا غیبت سراج
 منیر قلب را خاموش نماید و حیات دل را بمیراند به قلم قانع باشد و از طلب کثیر فارغ و مباحث
 منقطعین را غنیمت شمارد و عزلت از متمسکین و متکبرین را نعمت شمرد در اسحار به از کار
 مشغول شود و بتمام همت و اقتدار در طلب آن نگار کوشد غفلت را بنار حب و ذکر بسوزاند و از
 ماسوی الله چون برق درگذرد و بر بی نصیبان نصیب بخشد و از محرومان عطا و احسان دریغ
 ندارد رعایت حیوان را منظور نماید تا چه رسد به انسان و اهل بهمان و از جانان جان دریغ
 ندارد و از شماتت خلق از حق احتراز نجوید و آنچه برای خود نمی پسندد برای غیر نپسندد و
 نکوید آنچه را وفا نکند و از خاطان در کمال استیلاء درگذرد و طلب مغفرت نماید و بر عاصیان
 قلم عفو درکشد و به حقارت ننگرد زیرا حسن خاتمه مجهول است ای بسا عاصی که در حین موت
 بچوهر ایمان موفق شود و خمر بقا چشد و به ملاه اعلی شتابد و بسا مطیع و مؤمن که در وقت
 ارتقای روح تقلب شود و به اسفل درکات نیران مقرر باید.

باری مقصود از جمیع این بهمانات متقنه و اشارات محکمه آنست که سالک و طالب باید جز خدا
 را فنا داند و غیر معبود را معدوم شمرد و این شرایط از صفات عالین و سجدیه روحانیین است
 که در شرایط مجاهدین و مشی سالکین در مناہج علم الیقین ذکر یافت و بعد از تحقق این مقامات
 برای سالک فارغ و طالب صادق لفظ مجاهد در باره او صادق می آید و چون بعمل و الذی بین
 جاهد و فنا مؤید شد البته به بشارت لنهید بینهم سبلنا مستبشر خواهد شد و چون سراج طلب
 و مجاهد و ذوق و شوق و عشق و وله و جذب و حب در قلب روشن شد و نسیم محبت از شطر
 احدیه وزید ظلمت ضلالت شک و ریب زائل شود و انوار علم و یقین همه ارکان وجود را احاطه

نماید در آن حین بشیر معنوی به بشارات روحانی از مدینه الهی چون صبح صادق طالع شود و قلب و نفس و روح را بصورت معرفت از نوم غفلت بیدار نماید و عنایات و تأییدات روح القدس صمدانی خیات تازه جدید مبدول دارد بقسمی که خود را صاحب چشم جدید و گوش بدیع و قلب و فؤاد تازه می بیند و رجوع بآیات واضحه آفاقیه و خفیات مستوره انفسیه می نماید و به عین الله بدیعیه در هر ذره باهی مفتوح مشاهده نماید برای وصول به مراتب عین الیقین و حق الیقین و نور الیقین در جمیع اشیا اسرار تجلی وحدانیه و آثار ظهور صمدانیه ملاحظه کند " (ص ۱۶۰ تا ۱۶۴)

دلائل حقانیت ظهور حضرت باب

پس از تعیین این نکات اصلی برای حاجی میرزا سید محمد حضرت بهاء الله با ذکر ادله محکمه در اثبات حقانیت رسالت حضرت باب یکبار دیگر راه را آماده می سازند و صحبت کلی صفحاتی چند را درباره مظاهر ظهور الهی مخصص می فرمایند. اکبر دلیل حقانیت یک پیغمبر خود آن - طلعت انور است همانگونه که آفتاب آمد دلیل آفتاب. دلیل مهم دیگر در اثبات حقانیت مظهر ظهور الهی کلام الهی است. حضرت بهاء الله اشاره می فرمایند که چطور حضرت محمد بکرات قرآن را دلیل رسالت امر خود معرفی می نمایند. در شروع قرآن می فرمایند: الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين. آن ذات احدیه و غیب هویه شهادت داده بر آنکه شك و شبهه در آن نیست که هادی عباد الی یوم معاد است. و همچنین در جای دیگر می فرمایند: " وان كنتم فی ريب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسوره من مثله و ادعوا شهداءكم من دون الله ان كنتم صادقين كسه ترجمه ظاهر آن اینست اگر بودید شما در شك و شبهه در آنچه ما نازل فرمودیم بر عبد خود محمد پس بیارید سوره بمثل این سوره منزله و بخوانید شهادی خود را یعنی علمای خود را تا اعانت نمایند شما را در انزال سوره اگر هستید راست گویان حال ملاحظه فرمائید چه مقدار عظیم است شأن آیات و بزرگ است قدر آن که حجت بالغه و برهان کامل و قدرت قاهره و مشیت نافذ را بآن ختم فرموده " (ص ۱۷۰ و ۱۷۱)

مطالعه زندگی مؤسسين تمام ادیان همین آن است که کلام خدا وسیله مؤثری است برای بهامبر در خلق يك تمدن جدید. کلام خداوند علام در قلوب جمیع انام نفوذ می کند و روح عصر می شود. وقتی يك متحری به عرفان منبع کلام منزله از سما. رحمن فائز می گردد و آرد مدینه ایقان می شود. حضرت بهاء الله مدینه ایقان را چنین توصیف می فرمایند، قوله اللطيف: " آن مدینه کتب الهیه است در هر عهدی مثلاً در عهد موسی تورا بود و در زمن عیسی انجیل و در عهد محمد رسول الله فرقان و در این عصر بهمان و در عهد من بیعت الله کتاب او که رجوع کل کتب بآن است و مهین است بر جمیع کتب " (ص ۱۶۶)

راجع به ظهور حضرت باب چنین می فرمایند ، قوله الاسنی : " و قوه سمع اکوان چنین عنایتی نشنیده که آیات بمنابۀ غیث نیسانی از غمام رحمت رحمانی جاری و نازل شود چه که انبهای اولیو- العزم که عظمت قدر و رفعت مقامشان چون شمس واضح و لاثحت مفاخر شدند هر کدام بکتابی که در دست هست و مشاهده شده و آیات احصا کشته و از این غمام رحمت رحمانی اینقدر نازل شده که هنوز احدی احصا نموده چنانچه بهست مجلد الان بدست می آید و چه مقدار که هنوز بدست نیامده و چه مقدار هم که تاراج شده و بدست مشرکین افتاده و معلوم نیست چه کرده اند "

(۱۸۳ و ۱۸۲ ص)

در ابتدا ظهورات سالفۀ بعضی نفوسی که معروف نبودند بشرف ایمان الهی نائل می شدند علما پیروان را تحقیر و استهزا می کردند حضرت بهاء الله اشاره می فرمایند که وضع در زمان حضرت باب چگونه متغایر و متفاوت بود " و اما در این ظهور اظهر و سلطنت عظمی جمعی از علمای راشدین و فضلی کاملین و فقهای بالغین از کاس قرب و وصال مرزوق شدند و بعنايت عظمی فائز گشتند و از کون و امکان در سبیل جانان گذشتند بعضی از اسامی آنها ذکر می شود که شاهد سبب استقامت انفس مضطربه و نفوس غیر مطمئنه شود از جمله جناب ملاحسین است که محل اشراق شمس ظهور شدند لولاه ما استوی الله علی عرش رحمانیته و ما استقر علی کرسی صمدانیته و جناب آقا سید یحیی که وحید عصر و فرید زمان خود بودند و ملا محمد علی زنجانی و ملا علی بسطامی و ملا سعید بارفروشی و ملا نعمه الله یازدرانی و ملا یوسف اردبیلی و ملا مهدی خوئی و آقا سید حسین ترشیزی و ملا مهدی کندی و برادر او ملا باقر و ملا عبد الخالق یزدی و ملا علی براقانی و امثال آنها که قریب چهار صد نفر بودند که اسامی جمیع در لوح محفوظ الهی ثبت شده همه اینها مهتدی و متمر و مدعن گشتند برای آن شمس ظهور بقسمی که اکثری از مال و عیال گذشتند و برضای ذی الجلال پیوستند و از سر جان جانان برخاستند " (ص ۱۸۷ و ۱۸۸)

آنوقت حضرت بهاء الله راجع به حضرت باب و اسقامت او و ادعایش در مقابل مخالفت های شدید بیهان میفرمایند استقامتی که مربوط به تمام پیامبران الهی است و یکی از دلائل حقانیت آنهاست و این است بیانات مبارک راجع به حضرت باب : " دلیل و برهان دیگر که چون شمس بین دلائل مشرقست استقامت آن جمال ازلی است بر امر الهی که با اینکه در سن شباب بودند و امری که مخالف کل اهل ارض از وضع و شریف و غنی و فقیر و عزیز و ذلیل و سلطان و رعیت بود با وجود این قیام بر آن امر فرمودند چنانچه کل استماع نمودند و از هیچکس و هیچ نفس خوف نمودند و اعتنا فرمودند آیا می شود این بغیر امر الهی و مشیت مثبتۀ ربانی قسم بخدا که اگر کسی فکر و خیال چنین امری نماید فی الفور هلاک شود و اگر قلبهای عالم را در قلبش جا دهی باز جسارت بر چنین امر مهم ننماید مگر باذن الهی باشد و قلبش متصل بفیوضات رحمانی و نفسش

مطمئن بعنايات رباني" (ص ۱۹۶) . . . واستقامت بر امر حجتی است بزرگ و برهان نیست عظیم
 چنانچه خاتم انبیا فرمودند شیبتهنی الایتمین یعنی پیر نمود مرا و آیه که هر دو مشعر بر استقامت بر امر است
 چنانچه می فرماید ۷ حال ملاحظه فرمائید که این سدره رضوان سبحانی در اول جوانی چگونه
 تبلیغ امرالله فرمود و چقدر استقامت از آن جمال احدیت ظاهر شد که جمیع من علی الارض بر
 منعی اقدام نمودند حاصلی نبخشد آنچه ایذا بر آن سدره طهوی وارد می آوردند شوقش
 بیشتر و نارحش مشتعل تر می شد چنانچه این فقرات واضح است و احدی انکار ندارد تا آنکه
 بالاخره جان را در باخت و برفیق اعلی شتافت " (ص ۱۹۶ و ۱۹۷)

درباره تأثیرات ظهور حضرت باب بر اصحاب مبارکش حضرت بهاءالله می فرمایند ، قوله
 المبرهن : " و از جمله دلائل ظهور غلبه و قدرت و احاطه که بنفصه از آن مظهر وجود و مظهر
 معبود در اکناف و اقطار عالم ظاهر شد چنانچه آن جمال ازلی در شمر از در سنه ستین ظاهر
 شدند و کشف غطا فرمودند مع ذلك باندك زمانى آثار غلبه و قدرت و سلطنت و اقتدار از آن جوهر
 الجواهر و بحر البحور در جمیع بلاد ظاهر شد بقسمی که از هر بلدی آثار و اشارات و دلالات و
 علامات آن شمس لا هوتی هویدا گشت و چه مقدار قلوب صافیه رقیقه که از آن شمس ازلیه حکایت
 نمودند و چقدر رشحات علمی از آن بحر علم لدنی که احاطه نمود جمیع ممکنات را با اینکه در هر
 بلد و مدینه جمیع علما و اعزه بر منع ورد ایشان برخاستند و کمرغل و حسد و ظلهور و فعضشان
 بستند و چه نفوس قدسیه را که جواهر عدل بودند بنسبت ظلم کشتند و چه هیاکل روح را که صرف
 علم و عمل از ایشان ظاهر بود به بدترین عذاب هلاک نمودند مع ذلك هر يك از آن وجودات
 تا دم مرگ به ذکر الله مشغول بودند و در هوای تسلیم و رضا طائر و بقسمی این وجودات را
 تقییب نمودند و تصرف فرمودند که بجز اراده اش مرادی نجستند و بجز امرش امری نگزیدند
 رضا برضایش دادند و دل بخیالش بستند " (ص ۱۹۷ و ۱۹۸)

حائز اهمیت است بدانیم که حضرت باب تمام نبوات مودعه در کتب مقدسه مخصوصاً در باره
 اسلام را تحقق بخشیدند . ظهور حضرت باب با اسلام ارتباطی خاص دارد نه تنها خود حضرت
 باب از سلاله حضرت محمد (ص) است بلکه ظهور مبارکش را مسلمین چه شیعه و چه سنی مشتاقانه
 پیش بینی نموده و منتظر بوده و اعلی ثمره دین اسلام می دانند . حضرت محمد و امامان معصوم
 پیشگوئی و احادیث و اخبار بسیار راجع به آمدن موعود از خود بجای گذاشته اند . تمام شرائط
 ظهور آن مکرم ظهور، زمان مکان و سایر جنبه های متعدد امر آن سلطان انام در احادیث اسلام
 صریحاً و یا تلویحاً ذکر شده است .

میرزا احمد از قندی که یکی از مؤمنین بر حرارت و اشتیاق امر نیر آفاق شد یکی از علمای
 برجسته و بارز خراسان بود و قبل از اظهار امر حضرت باب تصمیم گرفت که تمام نبوات و احادیث
 اسلامی را راجع به ظهور قائم موعود جمع آوری کند . مجموعه او بعلمت کثرت بشارات تقریباً بالغ

سر دوازده هزار احادیث و اخبار گردید .

تحقق این نبوت در خصوص ظهور قائم واجد نهایت اهمیت برای شیعه در اسلام است برای اینکه بیش از هزار سال پیروانش در مساجد و حوزه های علمی و منازل خود در باره آن مباحثه کرده اند و شاید بهمین دلیل باشد که حضرت بهاء الله صفحاتی چند از کتاب مستطاب ایقان را وقف توضیح و تفسیر معانی این احادیث فرموده اند و با این عمل ثابت و مدلل ساخته اند که حضرت باب این مواعید را جلیبا محقق ساخته اند .

حضرت بهاء الله ظهور خودشان را نبوت می فرمایند

حضرت بهاء الله در نبوت ظهور با هر النورشان در حالیکه وجود مبارک را با القاب جوهر - الجواهر ، حقیقه الحقائق و نور الانوار و سلطان هویه مخصص می فرمایند خطاب به سران اهل بیان چنین می فرمایند ، قوله الاحلی : " در اینوقت در اهل بیان و عرفا و حکما و علما و شهدای آن استعدا می نمایم که وصایای الهی را که در کتاب فرموده فراموش ننمایند و همیشه ناظر به اصل امر باشند که ما را حین ظهور آن جوهر الجواهر حقیقه الحقائق و نور الانوار متمسک ببعضی عبارات کتاب شوند و بر او وارد بیاورند آنچه را که در کور فرقان وارد آمد چه که آن سلطان هویه قادر است بر اینکه جمیع بیان و خلق آن را بحرفی از بدایع کلمات خود قبض روح فرماید و با بحرفی جمیع را حیات بدیعه قدمیه بخشد و از قهور نفس و هوی محشور و مبعوث نماید ملتفت و مراقب بوده که جمیع منتهی بایمان باو و ادراک ایام و لقای او می شود " (ص ۷۸ و ۷۷)

در فصل دیگر با اشاره به خودشان بمتابیه حمامه فردوسی آن جمال قدسی چنین می فرمایند ، قوله المحبوب : " قسم بخدا که این حمامه ترابی را غیر این نغمات نغمه هاست و جز این بیانات رموزها که هر نکته از آن مقدس است از آنچه بیان شد و از ظم جاری گشت تا مشیت الهی چه وقت قرار گیرد که عروسهای معانی پس حجاب از قصر روحانی قدم ظهور بعرصه قدم گذارند " (ص ۱۴۷)

حضرت بهاء الله پیش بینی می فرمایند مخالفت ها و مشقات و بلیاتی را که بدست اهدا و اهل بیان آن مظهر کبریا متحمل خواهند شد و اشاره می فرمایند به میرزا یحیی و اطرافیانش ، این است بیان مبارک ، قوله الالیم : " اگرچه در این ایام رائحه حسدی وزیده که قسم به مریسی وجود ازغیب و شهود که از اول بنای وجود عالم با اینکه آن را اولی نه تا حال چنین غل و حسد و بغضاتی ظاهر نشده و نخواهد شد چنانچه جمعی که رائحه انصاف را نشنیده اند راهبات نفاق را برافراخته اند و بر مخالفت این عبد اتفاق نموده اند و از هر جهت رمحی آشکار و از هر سمت تیری طنار با اینکه با حدی در امری افتخار نمودم و بنفسی برتری نجستم مع هر نفسی مصاحبی بودم در نهایت مهربان و رفیقی بغایت بردبار و رایگان با فقرا مثل فقرا بودم و با علما و عظماء در کمال تسلیم و رضا " (ص ۲۰۹ و ۲۱۰)